فرخنده باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۸۷۸، ۴ مهرماه ۱۳۹۰

دورهٔ هشتم، سال بیست و هفتم

درفش کاویانی همچنان در اهتزاز است

مهرگانی خجسته فرا می رسد. امسال مهرگان افزون بر جشن اسطوره یی ایرانیانی، جشن پیروزی فریدون بر ضحاک، آن طور که فردوسی در شاهنامه از آن یاد می کند، جشن هفتادسالگی حزب توده های محروم میهن ما، حزب پیشتازان رهایی ایران از زنجیرهای استبداد، استعمار و واپس ماندگی است. هفتاد سال پیش شماری از قهرمانان راه آزادی میهن زندانیان سیاسی رها شده از بندهای رژیم استبدادی رضا شاه در کنار دیگر شخصیت های ملی–اجتماعی میهن ما حزب توده ایران را بنیاد گذاردند. هفتاد سال است که مبارزان دلیر راه آزادی، اسطوره های از خود گذشتگی، قهرمانان سربلند شکنجه گاه های حکومت های شاه و ولایت فقیه، همچنان پایبند به تلاش برای بهروزی زحمت کشان میهن ما و تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در راه آرمان های والایی که حزب توده ایران بر اساس آنها بنا شده بود می رزمند و به اعتراف دشمن و دوست باعث و بانی تحولات مهم سیاسی و اجتماعی در کشور ما بوده اند. **هیئت تحریریه "نامه مردم"** هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به همه رزمندگان توده ای و همه مبارزان راه آزادی و عدالت میهن تبریک گفته و سالی سرشار از پیروزی برای جنبش مردمی میهن ما در نبرد بر ضد رژیم ولایت فقیه آرزومندست.

اعلامیه کمیته مرکزی به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران	صفحات ۲، ۳ و ۴
نامه مردم در غرفه های جشن های احزاب برادر	صفحات ۵، ۶ و ۷
ره آورد مهر (شعر)	صفحه ۸
گرامی داشت هفتادمین سالگشت زایش و جاودانگی رحمان هاتفی	صفحات ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶
ماهی از سَر گَنده گردد نی ز دُم	صفحه ۱۷
همبستگی پر شور هفتاد سازمان مترقی و کمونیستی جهان با مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران	صفحه ۱۸
پیام های شادباش به مناسبت هفتادمین سالگرد حزب	صفحات ۱۹ و ۲۰

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران!

هفتاد سال پیکار خستگی ناپذیر در راه بهروزی توده های کار و زحمت، و برای تحقق آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی!

هم میهنان گرامی!

با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۹۰، هفتاد سال از تأسیس حزب تودهٔ ایران، حزب رزمندگان رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان، حزب پیشگامان رهایی زنان از بند های ستم جنسی و طبقاتی، حزب نویسندگان، شاعران، و هنرمندان مردمی و پیشرو، حزب جوانان و دانشجویان رزمجو، و حزب همه مبارزان راه آزادی، استقلال، و عدالت میهن ما، می گذرد.

تاریخ حزب توده ایران، بخش جدایی ناپذیری از تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم میهن ما بر ضد استعمار، استبداد و امپریالیسم است، و در کند و کاو همین تاریخ است که، به گواهی دوست و دشمن، می توان نقش برجسته مبارزان توده ای را در پیشبرد اندیشه های مترقی، نبرد بی امان برای دگرگون کردن جامعه واپس مانده و روابط اجتماعی-اقتصادی حاکم بر آن ، و سازمان دهی مبارزه توده ها، دید.

درباره تاریخ حزب توده ایران، در هفت دهه گذشته هزاران جزوه، مقاله و کتاب منتشر شده است، که بخشی از این انبوهه به کارزار تبلیغاتیِ ساواک رژیم استبدادی شاه، و در پی آن، ساواماى رژیم ولایت فقیه، و یا غرض ورزی های دشمنانه آلوده است. هدف از این کارزار گسترده تبلیغاتی، جا انداختن این نظر بوده است که، حزب توده ایران یک حزب "وابسته به خارجی" و "خائن به منافع" ملی میهن ما بوده است. چنین نظراتی که از سوی کسانی که با کودتای نظامی دستگاه های جاسوسی دولت های امپریالیستی آمریکا و انگلیس و با سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق روی کار آمده بودند ترویج شده است، ابعاد بی پایگی و رسوایی چنین ادعاهایی را اثبات می کند.

هفتاد سال پیش، پس از سقوط حکومت رضا شاه، در پی رهایی یاران دکتر تقی ارانی از زندان ستم شاهی، در پی باز شدن فضای سیاسی، حزب تودهٔ ایران به همت شماری از برجسته ترین مبارزان راه آزادی و منادیان رهایی میهن از بندهای بهره کشی، استبداد، و واپس ماندگی، به ریاست سلیمان محسن اسکندری، یکی از رجال بنام آزادی خواه صدر مشروطیت، بنیاد گذارده شد.

حزب تودهٔ ایران در حالی پا به عرصه مبارزه گذاشت که کشور ما تغییرات و تحولات اساسی یی را تجربه می کرد، و با استقرار تدریجی سرمایه داری وابسته و رشد همزمان طبقه کارگر، جامعه ما نیازمند حزبی رزمنده و پیشرو بود که پشتیبان و سازمان دهِ طبقه کارگر و زحمتکشان و پاسخ گوی نیاز مبرم تحولات متناسب با وضعیت اجتماعی و سیاسی میهن باشد. بر این اساس، حزب تودهٔ ایران، در ادامه سنت های انقلابی مبارزات حزب کمونیست ایران، و رهبران برجسته نهضت رهایی بخش ملی و شخصیت هایی همچون حیدر خان عمواوغلی و دکتر تقی ارانی، گام در راه دگرگون ساختن بنیادین جامعه ما گذاشت. تحزب در شکل نوین آن، پیدایش سازمان های صنفی، از جمله سندیکاهای کارگری، اتحادیه های مستقل جوانان، دانشجویان، و سازمان های پیشروی زنان، پراکندن بذر آگاهی اجتماعی- سیاسی و فرهنگی و طرح نظرات انقلابی و پیشرویی همچون ضرورت تصویب قانون کار، اصلاحات ارضی، و خواست الغای قرار دادهای استعماری یی که کشورهای امپریالیستی بر میهن ما تحمیل کرده بودند، و فرا گیر شدن چنین خواست هایی در جامعه مان، از جمله تأثیرات مستقیم حزب تودهٔ ایران در همان سال های نخست بنیادگذاری اش است.

امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی کشور در سیمای حزب ما خطری بزرگ برای منافع خود دیده و می بینند، و در طول هفتاد سال گذشته از هیچ تلاش و توطئه یی برای نابودی حزب توده ها فرو گذار نکرده اند.

راز ریشه های عمیق و سترگ اجتماعی حزب تودهٔ ایران، در دقت کم نظیر تحلیل ها و برنامه هایش و انطباق بی خدشه آن بر خواست های زحمتکشان و منافع و مصالح میهن بوده است. از تشکیل "شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران"، در اسفندماه ۱۳۲۰ ، و بنیاد گذاری نخستین اتحادیه های دهقانی در اطراف تهران و برخی استان های کشور، در خرداد ماه ۱۳۲۲، حزب تودهٔ ایران نیروی رهبری کننده

خجسته باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

بی بدیل مبارزات کارگری – دهقانی کشور شناخته شد و مورد قبول توده های کار و زحمت قرار گرفت. برگزاری روز جهانی کارگر در ایران، در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، که با شرکت ۷۰۰/۰۰۰ کارگر در سراسر ایران برگزار شد، و همچنین ده ها اعتصاب و راه پیمایی کارگری در آن سال ها، نقش برجسته یی به مبارزات طبقه کارگر در میهن ما داد و فضای سیاسی ایران را به کلی دگرگون کرد.

تلاش حزب در سازمان دهیِ مبارزه بر ضد فاشیسم، و همچنین تلاش در راه دست یافتن به صلح، از عرصه های تاریخی مبارزات توده ای ها و سازمان های گونه گون شان در میهن بوده است. آوای نشریه "مردم ضد فاشیسم" ، ارگان تبلیغاتی حزب بر ضد فاشیسم، در نخستین سال های پس از تأسیس حزب، در سراسر ایران پیچید و تأثیرات مهمی را در راه مقابله با اندیشه های فاشیستی در جامعه برجای گذاشت.

نخستین برنامه حزب توده ایران که در مرداد ماه ۱۳۲۳ ، به تصویب نخستین کنگره حزب رسید، سند درخشانی از ماهیت انقلابی حزب و آرمان های والای آن در راه رهایی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان، و دانشجویان کشور است. این نخستین سند مبارزاتی یک حزب سیاسی در آن دوره از تاریخ میهن ما بود که پیام آور رهایی میهن از بندهای وابستگی به بیگانه، استعمار، استبداد، و بنا کردن ایرانی آزاد و آباد بود. در نخستین «برنامه حزب» ما مسائل عمده یی از جمله:

"مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی، و اجتماعی از قبیل: آزادی زبان، قلم، عقیده و اجتماعات...

مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری و استبداد...

سعی در گذراندن قانون کار از مجلس شورای اسلامی بر اصول زیر: تقلیل مدت کار روزانه در تمام کشور به هشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کارهای اضافی ... ایجاد بیمه اجتماعی کارگران و کارمندان و مستخدمین ...

واگذاری بلاعوض خالصجات و املاک قابل کشت دولتی به دهقانان بی ملک ... اصلاحات اساسی در مورد تقسیم غیر عادلانه محصول بین ارباب و رعیت ... تجدید نظر در قانون استخدامی کشور به نحوی که مخصوصا شرایط معاش و زندگی کارمندان جز تأمین گردد...

کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) در مجلس مقننه و انجمن های ایالتی و بلدی. بهبودی اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان ...

تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیه افراد ملت قطع نظر از مذهب و

ادامه در صفحه ۳

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

نژاد ..." مطرح شده بود، و در راه آن ها مبارزه می شد و تا کنون نیز شده است.

طرح چنین خواست های انقلابی و پیشرویی نه تنها فضای سیاسی- اجتماعی آن روز ایران را دگرگون کرد، بلکه اثرات این اندیشه های مترقی و آزادی خواهانه تا به امروز در جامعه ما پابرجاست. هیچ نیروی آزادی خواهی را در میهن ما نمی توان یافت که برنامه سیاسی اش تحت تأثیر از این اندیشه های مترقی و انساندوستانه، از این آغاز حماسه گون حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما، حزب توده ایران، تأثیر نپذیرفته باشد.

با تأسیس حزب تودهٔ ایران و انتشار انبوهی از روزنامه ها، مجله ها، کتاب ها، و نشریه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی، نسل جوان کشور با اندیشه های پیشرو، انقلابی، و تاریخ ساز مارکسیسم – لنینیسم آشنا شد، و در نتیجه آن توانست نقش مهم و سازنده ای در تغییر جامعه ما بازی کند. شماری از برجسته ترین متفکران، ادیب ها، شاعران، نویسندگان، و مترجمان کشور در دامان حزب توده ایران پرورش یافتند و زمینه سازِ رشد ادبیات، هنر، و فرهنگِ پیشرو در جامعه ما شدند.

یکی دیگر از عرصه های درخشان فعالیت حزب ما، تلاش های پیگیر آن در عرصه به وجود آوردن همکاری بین نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور بوده و هست. از همان فردای تأسیس حزب، توده ای ها همواره در راه برقراری اتحادِ عمل بین همه آزادی خواهان و میهن دوستان کشور به منظور رهایی ایران از چنگال استبداد، وابستگی به بیگانه، و استعمار تلاش کرده اند و نمونه های درخشانی از این فعالیت ها در تاریخ معاصر میهن ما ثبت شده است. ایجاد " جبهه آزادی"، دربردارنده نیروهای مترقی و همچنین روزنامه ها و مدیران نشریه های کشور، در تابستان سال ۱۳۲۳ ، برپایی جبهه "مطبوعات ضد دیکتاتوری"، در اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ ، ایجاد " جمعیت ملی مبارزه با استعمار"، در دی ماه ۱۳۲۹ ، و ده ها تلاش دیگر از این دست در طول هفتاد سال گذشته، از جمله این نمونه هاست. واقعیت این است که، جا افتادن این اندیشه مهم که رهایی ایران از بندهای ارتجاع و استبداد نیازمندِ تلاش متحد و همکاری همه آزادی خواهان کشور است، نتیجه تلاش های مستقیم حزب تودهٔ ایران در جامعه ما بوده است.

مبارزه در راه دست یافتن به حقوق پایمال شده خلق های مورد ستم ایران، از جمله دیگر عرصه های فعالیت حزب ما در طول هفتاد سال گذشته بوده است. بنیادگذاری و تأسیس حزب تودهٔ ایران با آغاز پیکار در راه رهایی خلق های ایران از بند ستم ملی و طبقاتی ارتباطی گسست ناپذیر دارد. حزب تودهٔ ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که خواستِ واگذاری خودمختاری در چارچوب ایرانی واحد و دموکراتیک را در دستور کار مبارزات سیاسی کشور قرار داد، و توده ای ها در صحنه های پیکار خونین خلق های آذربایجان، کردستان، و همچنین دیگر خلق های محروم کشور، از جمله خلق عرب، بلوچ، و ترکمن، در راه دستیابی به حقوق شان، از هیچ گونه فداکاری کوتاهی نکرده اند.

از آغاز بنیادگذاری حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰ تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، که از سوی دولت های امپریالیستی آمریکا و بریتانیا و به منظور سرکوب جنبش مردمی ایران و نهضت ملی شدن نفت ایران سازمان دهی شده بود، تنها در طی ۱۲ سال فعالیت سیاسی، توده ای ها سرچشمه آن چنان تحولات انقلابی یی در ایران بودند که سرتاسر منطقه خاور نزدیک و میانه نیز از بازتاب های شگرف آن تأثیر پذیرفتند. امپریالیسم آمریکا و بریتانیا، حزب توده ایران را بزرگ ترین خطر در مقابل منافع برتری طلبانه خود در منطقه می دیدند. امروز پس از گذشت نزدیک به شش دهه، و در پی گشوده شدن آرشیو ها و انتشار اسناد محرمانه سازمان گران این کودتا، روشن شده است که یکی از هدف های عمده کودتای ۲۸ مرداد، سرکوب خونین حزب توده ایران بود. دستگیری هزاران توده ای، شکنجه و سپس اعدام بسیاری از آنان از جمله رفقای قهرمان سازمان نظامی حزب، به دستور رژیم شاه، نه تنها نتوانست "ریشه حزب" را آن طور که دستگاه های امنیتی حکومت سلطنتی تصور و تبلیغ می کرد در ایران بخشکاند، بلکه الهام بخش نسل های نوینی از رزمندگان توده ای و دیگر نیروهای مترقی و چپ میهن گردیدند.

با وجود سرکوب ۲۵ ساله دستگاه های امنیتی رژیم سلطنتی، توده ای ها نقش حیاتی یی را در سازمان دهی مبارزه ضد استبدادی میهن ما ایفا کردند. روزنامه زیر زمینی "نوید" که به سردبیری رفیق قهرمان رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) منتشر می شد، توانست با بردن نظرات حزب توده ایران به میان توده ها، و از جمله برای طرح نخستین بارِ نظریه ضرورت سازمان دهی اعتصاب عمومی، تأثیر مهمی در سمت گیری مبارزات ضد استبدادی میهن ما برجای گذارد، و سرانجام، این نقش برجسته کارگران توده ای در سازمان دهی اعتصاب کارگران نفت بود که کمر رژیم سلطنتی را در هم شکست.

پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ، نظام سیاسی پوسیده و ضد مردمی سلطنتی را واژگون کرد و با استقرار آزادی، این امکان را پدید آورد که میهن ما بدون دخالت خارجی و حضور ده ها هزار مستشار آمریکایی، به سمت انتخاب نظام سیاسی- اقتصادی خود حرکت کند. حزب توده ایران پس از ۲۵ سال سرکوب خشن و خونین، فعالیت علنی خود را از سر گرفت و در مدتی بسیار کوتاه توانست به نیروی بزرگ اجتماعی یی با نفوذ چشمگیر معنوی تبدیل گردد. تأثیر اندیشه های حزب ما بر اصول مترقی یی از قانون اساسی ـ که دفاع از منافع قشرهای گوناگون اجتماعی و پاسداری از آزادی را در دستور کار خود قرار می دهد ـ در کنار تلاش حزب در سازمان دهی کارگران، کشاورزان، زنان، جوانان، و دانشجویان کشور، خیلی زود هراس ارتجاع داخلی و کشورهای امپریالیستی را که نگران سمت گیری انقلاب بهمن ۵۷ بودند، برانگیخت.

تنها کافی است اشاره کنیم که در دوران طوفانی سال های نخست پس از انقلاب، به همت مبارزه توده ای ها و دیگر نیروهای مترقی کشور، مسأله «اصلاحات ارضی «و «تصویب قانون کار «که تا حدودی از حقوق کارگران حمایت کند، با وجود همه مخالفت های نیروهای ارتجاعی و واپس گرا در جامعه به پیش برده شد و تا به امروز هنوز ارتجاع نتوانسته است این دست آورد های هرچند محدود را باز پس گیرد.

رویارویی هوشیارانه حزب توده ایران با توطئه های پی در پی امپریالیسم برای شکست انقلاب ایران و ازجمله هشدارهای حزب ما پیرامون امکان حمله نظامی به ایران، و سپس مبارزه برای صلح و بر ضد ادامه جنگ ایران و عراق، از دیگر عرصه های مهم و درخشان مبارزه حزب ما است. در سال های نخست دهه ۱۳۶۰ ، در پی پیروزی خرمشهر و بیرون راندن ارتش متجاوز رژیم صدام حسین، که به دست پر توان فرماندهان توده ای ارتش سازمان دهی و بدان دست یافته شد، حزب ما با وجود جو شدید تبلیغاتی رسانه های حاکم و طرح شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" از سوی خمینی و دیگر سران رژیم، این شعار را شعاری نادرست اعلام کرد و نظریه ضرورت پایان جنگ از طریق مذاکره را در جامعه مطرح ساخت. پاسخ مرتجعان حاکم به این دید درست و راه گشا، یورش وحشیانه به حزب تودهٔ ایران و کشتار گروهی از برجسته ترین فرماندهان انقلابی ارتش ایران بود.

سرکوب خشن و خونین حقوق و آزادی های دموکراتیک، به بند کشیدن هزاران مبارز آزادی و یورش همه جانبه به حزب توده ایران، در بهمن ماه ۱۳۶۱ ، که به گفته ری شهری جنایتکار، با دستگیری بیش از ده هزار تن از کادرها، فعالان، اعضاء، و هواداران حزب توده ایران همراه بود، باردیگر امکان فعالیت آزاد و علنی را، بر خلاف قوانین داخلی و بین المللی، از حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما از بین برد و حاکمیت فاجعه بار رژیم ضد مردمی و استبدادی "ولایت فقیه" را بر ایران مستقر و مستحکم کرد.

هم میهنان گرامی

حزب ما در حالی به استقبال هفتادمین سالگرد تأسیس اش می رود که میهن ما با اوضاعی بیش از پیش بحرانی و نگران کننده روبه روست. بیش از دوسال از کودتای انتخاباتی ولی فقیه و روی کار آمدن مجدد محمود احمدی نژاد در مقام رئیس جمهوری برگمارده نظامیان، نیروهای سرکوب گر و تاریک اندیشان " ذوب شده در ولایت مطلقه فقیه" می گذرد. بیش از دوسال است که نیروهای امنیتی و سرکوب گر و سپاهیان جهل، به جنبش مردمی جان به لب رسیده از بی عدالتی و ظلم و محرومیت های شدید اقتصادی و ناهنجاری های فزاینده اجتماعی می تازند تا صدای حق طلبانه اکثریت جامعه را برای استقرار حکومتی بر پایه آرای مردم و پایبند به حقوق آنان خاموش سازند. با وجود یورش های مسلحانه و خونین به تظاهرات پرشکوه مردمی در اعتراض به کودتای انتخاباتی ولی فقیه، با وجود دستگیری هزاران مبارز و فعال اجتماعی و با وجود دستگیری شماری از رهبران سابق جمهوری اسلامی که همگی از "یاران نزدیک امام" بودند، رژیم ولایت فقیه نتوانسته است جنبش مردمی و اصلاح طلبانه میهن ما را سرکوب کند.

ادامه مبارزه برای اصلاحات، و طرد رژیم ولایت فقیه در حکم سد اساسی هرگونه تحول اساسی، بنیادین و دموکراتیک ـ شعاری که برای نخستین بار از سوی حزب ما، در نوروز ۱۳۶۹ در جامعه مطرح شد ـ به خواست وسیع جامعه ما و نیروهای سیاسی آزادی خواه تبدیل شده است و سرنوشت و حیات رژیم استبدادی حاکم را به چالش کشیده است.

ادامه در صفحه ۴

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

تنفر و انزجار عمیق اکثریت مردم ما از رژیم ولایت فقیه و رهبر آن، علی خامنه ای، ادامه حیات حکومت کنونی را تنها با تکیه به زور و دخالت روز افزون فرماندهان نیروی ضد مردمی سپاه پاسداران که همه شریان های اساسی اقتصادی کشور را در دست خود قبضه کرده است، ممکن می سازد. مخالفت بخش های مهم و وسیعی از روحانیون و "مراجع تقلید" در "حوزه های علمیه" و اکثریت کسانی که در گذشته نزدیکی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می شدند با حاکمیت انحصاری خامنه ای، خانواده و نزدیکان او، و رهبران سپاه و نیروهای انتظامی، نشان گرِ حرکت سریع و خطرناک ایران به سمت یک دیکتاتوری نظامی با سیمای مذهبی است.

رژیم، برنامه سازمان یافته و وسیعی را برای سرکوب کامل جنبش مردمی و دست آورد های هشت سال تلاش برای اصلاح حکومت مداری در ایران به مرحله اجرا گذاشته شده است. تهاجم پیگیر و در عین حال فزاینده به جنبش مستقل کارگری کشور، در کنار تهاجم وسیع به تشکل های دانشجویی، و سرکوب خشن فعالیت های سیاسی- اجتماعی زنان کشور و همچنین بستن روزنامه های منتقد و زیر فشار قرار دادن نویسندگان و روزنامه نگاران دگراندیش، به بند و حصر کشیدن شماری از شخصیت های اجتماعی – سیاسی کشور، از جمله موسوی و کروبی، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم و از رهبران جنبش اعتراضی برضد کودتای انتخاباتی ولی فقیه، همه بخشی از برنامه یی واحد برای تثبیت موقعیت ارتجاع و بازگرداندن حرکت چرخ تحولات کشور به سال های دهه ۱۳۶۰ است.

حزب ما در جریان برگزاری انتخابات سال ۱۳۸۴ ، با برشمردن خطراتی که جنبش را تهدید می کرد، همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور را به اتحاد عمل و تلاش واحد برای شکست برنامه های ارتجاع فراخواند. این تلاش ها متأسفانه در فضای ناسالم سیاسی و شعارهای تند و غیر واقع بینانه شماری از نیروهای سیاسی – اجتماعی کشور و عدم حمایت از نامزدی «معین» در انتخابات، و همچنین مماشات و بی عملی نیروهای اصلاح طلب که سکان اداره دولت وقت را در دست داشتند، عملی نشد، و نیروهای ارتجاع توانستند گامی بلند در راه تحمیل برنامه های خود بر جامعه بردارند و شرایط دشواری را برای ادامه روند اصلاحات ایجاد کنند، روندی که با سازمان دهی کودتای انتخاباتی خرداد ماه ۱۳۸۸ ، و پایمال کردن رای میلیون ها شهروند میهن ما، مفهوم تازه ای به واژه "انتخابات" در رژیم ولایت فقیه داد. آنچه در دوران دولت احمدی نژاد و حاکمیت انحصاری ارتجاع بر سه قوه کشور رخ داده است، فاجعه یی عظیم است که آینده کشور و نسل های بعدی را با خطرات جدی رو به رو کرده است. اعمال مجموعه سیاست های مخرب و ضد ملی اقتصادی- اجتماعی در راستای تأمین منافع کلان سرمایه داری اداری(بوروکراتیک) و تجاری، شدت یافتن دهشت بار فقر و محرومیت که باید گفت در تاریخ معاصر میهن ما کم سابقه بوده است، ادامه سیاست ها در راستای هرچه بیشتر خصوصی کردنِ صنایع و مراکز تولیدی کشور و "تعدیل انسانی " نیروی کار، یورش برای تغییر قانون کار و پایمال کردن بیش از پیش حقوق کارگران و زحمتکشان، بر خلاف همه ادعاها و قول های انتخاباتی در زمینه تقسیم پول نفت میان زحمتکشان، و همچنین زمزمه احیای سیاست های گزینشی مطرود دهه ۶۰ در دانشگاه ها و ادارات کشور، سیمای واقعی دولتی ضد مردمی و آزادی ستیز است که هدفش سرکوب خشن و خاموش ساختن هرگونه صدای مخالفی در کشور است .

هم میهنان گرامی!

بی عدالتی بی سابقه، فقر و محرومیت در کنار فشارهای کمر شکن اقتصادی و خفقان شدید، در مجموع، اوضاع غیر قابل تحملی را برای بخش های وسیعی از جامعه و حتی بخش هایی از نیروهای درون و پیرامون حاکمیت فراهم آورده است. اوج گیری اختلاف ها و درگیری ها با دولت احمدی نژاد، مانور برای "انتخابات" مجلس و سپس "انتخابات" ریاست جمهوری که پایان کار دولت منفور احمدی نژاد است، امکان های نویی را برای سازمان دهی مجدد و تشدید مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه فراهم آورده است که باید با هوشیاری از آن ها بهره گرفت. در چنین شرایطی، میهن ما بیش از پیش نیازمند حرکتی متحد، وسیع، و سازمان یافته بر ضد رژیم دیکتاتوری حاکم است. جنبش های آزادی خواهانه یی که کشور های خاورمیانه را در ماه های اخیر فرا گرفته اند و به سقوط شماری از حکومت های استبدادی و ضد ملی منطقه از جمله حکومت حسنی مبارک در مصر و در تونس منجر شده اند، نشان داد که با حرکت سازمان یافته همه نیروهای اجتماعی، و خصوصا حضور نیرومند طبقه کارگر و زحمتکشان در این روند، می توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی و تن دادن به خواست های جنبش مردمی وادار کرد. این نیازی است که جنبش مردمی ما از نبودِ آن رنج برده است و به پاسخ گویی به این نیاز باید با تمام توان برخاست.

رفقا، اعضاء، هواداران، و دوستان حزب!

پیکار هفتاد ساله حزب توده ایران با همه فراز و نشیب های آن با تکیه به تلاش های خستگی ناپذیر شما امکان پذیر بوده و هست. در طول هفتاد سال گذشته و از جمله در سال های اخیر، اعضاء و هواداران حزب ما با توطئه های گوناگون ارتجاع برای نابودی حزب شان روبه رو بوده اند، و در این مصاف دشوار پرچم پر افتخار حزب کارگران و زحمتکشان کشور را همچنان در اهتزاز نگاه داشته اند. شکست ارتجاع در نابودی حزب تودهٔ ایران به مفهوم پایان توطئه ها و ترفند های رژیم نیست. رژیم استبدادی حاکم همچنان حزب تودهٔ ایران را دشمن اصلی برنامه های ضد ملی و ضد مردمی خود می داند و همچنان همه تلاش ها و امکانات خود را به منظور ضربه زدن به صفوف حزب ما به کار می برد. کشتار صدها تن از کادرهای برجسته، رهبران، شخصیت های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی حزب ما در جریان فاجعه ملی، که در جریان آن هزاران زندانی سیاسی جان باختند، در کنار توطئه حزب سازی و تلاش به قصد پراکنده کردن اعضا و هواداران و شکافته شدن صفوف حزب، بخشی از تلاش حاکمیت به منظور " کندن ریشه های" حزب از جامعه بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. از سازمان دهیِ "شوهای تلویزیونی" قربانیان شکنجه برای بی اعتبار کردن تاریخ و مبارزات حزب توده ایران، تا خاطره نویسی های با نظارت شکنجه گران، برپایی دستگاه های عریض و طویل تبلیغاتی برای حمله به برنامه سیاسی- مبارزاتی حزب ما، و "رهبر" سازی دستگاه های امنیتی، هیچ کدام از این توطئه ها، با وجود همه دشواری هایی که بر سر راهِ فعالیت حزب ما پدید آورده است، اما نتوانسته اند پیکار حزب توده ایران در راه دست یافتن به آرمان های والای طبقه کارگر ایران را متوقف کند. انتشار منظم و وقفه ناپذیر "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، برگزاری کنگره های سوم، چهارم، و پنجم حزب، در دشوار ترین شرایط، و نفوذ گسترده و فزاینده اندیشه ها و برنامه های مبارزاتی حزب ما در بین نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور، نشان گرِ ادامه حیات پر ثمر حزب توده ها و شکست برنامه های ارتجاع و امپریالیسم است.

حزب ما، در دهه های اخیر، پس از یورش گسترده و خونین رژیم جمهوری اسلامی، همچنین با بحران های جنبش کارگری و کمونیستی جهان و فروپاشیِ کشورهای سوسیالیستی در دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی و تهاجم فزاینده تبلیغاتیِ امپریالیسم جهانی بر ضد جنبش جهانی کارگری و کمونیستی رو به رو بوده است، و باید گفت که دشوار ترین آزمون تاریخ خود را با سربلندی پشت سر گذاشته است.

در هفتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، شایسته است که همراه با گرامی داشتِ خاطره تابناک ده ها هزار جانباخته توده ای، با مبارزات سترگ آنان تجدیدِ عهد کنیم، و اعلام داریم که: حزب تودهٔ ایران، حزب کارگران، زحمتکشان و محرومان کشور، حزب زنان مبارز و آزادی خواه، حزب جوانان و دانشجویان مبارز، حزب روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و حزب افسران میهن دوست و آزادی خواه، همچنان در کنار همه آزادی خواهان و نیروهای ملی و مترقی کشور در راه ریشه کن کردن استبداد و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی به مبارزه تاریخی خود ادامه می دهد و همه تلاش ها و امکان های خود را در راه دست یافتن به این آرمان های والا به کار خواهد گرفت.

مبارزه ادامه دارد، و آینده از آنِ خلق و نیروهای ملی و آزادی خواهی است که در کنار مردم و برای عملی شدن خواست های جنبش مردمی می رزمند!

درود آتشین به خاطره تابناک جان باختگان توده ای و همه جان باختگان راه آزادی، استقلال، و عدالت در کشور!

فرخنده باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران!

با هم به سوی برپایی جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای طردِ رژیم ولایت فقیه، و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴ مهرماه ۱۳۹۰

"نامه مردم" در غرفه های جشن های احزاب برادر

غرفه "نامه مردم" در فستیوال "اومانیته"
صحنه پرشور سرایش دوباره سرود: "ای شمایان اتحاد خلق را آوا کنید!"

*** غرفه "نامه مردم" امسال هم مرکز بحث های خلاق و اتحاد طلبانه صد ها علاقه مند به سیاست ها، موضع ها، و فعالیت های حزب توده ایران بود**
*** فعالان سیاسی و طرفداران جنبش مردمی، با حضور در غرفه، با مسئولان حزبی در رابطه با سمت و سوی مبارزات اعتراضی مردم، و ضرورت همبستگی فعال با جنبش مردمی در داخل کشور، به بحث نشستند**
*** بازدید هیئت های نمایندگی حزب های برادر از غرفه "نامه مردم"**
*** حضور هیئت های نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران – اکثریت، و سازمان اتحاد فدائیان، از غرفه "نامه مردم"**

با وجود هوای متغیر، پانصد هزار تن از جوانان، طرفداران نیروهای چپ، و ترقی خواهان فرانسه، در روزهای ۲۵ ـ ۲۷شهریور ماه، فعالانه در جشن سالانه روزنامه "اومانیته"، روزنامه حزب کمونیست فرانسه، شرکت کردند. فستیوال مانند سالیان گذشته در پارک عظیم شهرک "کورنوو" در حومه پاریس، پایتخت فرانسه، برگزار گردید. دهکده جهانی، محل غرفه های متعدد و رنگارنگ حزب ها و نیروهای سیاسی چپ و مترقی، در قلب پارک محل برگزاری فستیوال، صحنه تجلی زیبای همبستگی بین المللی بود. غرفه های ارگان های حزب ها از کوبای سوسیالیستی تا چین توده ای، از ویتنام قهرمان تا مبارزان الجزایر، از سنگال تا عراق، و از آلمان تا ایران، پیکره و نقش مبارزاتی خلق های جهان را به تصویر در آورده بودند. غرفه "نامه مردم"، ارگان حزب توده ایران، در همسایگی فعالان چپ تونسی و روبه روی غرفه عظیم ونزوئلا، با پوستر ها و شعارهایی معرف مبارزه مردم میهن مان صحنه فعالیت خستگی ناپذیر فعالان و علاقه مندان حزب توده ایران بود. فعالان حزبی امسال همچنین با توزیع اعلامیه یی به زبان فرانسه، حاضران در فستیوال را با هفتاد سال مبارزه دشوار حزب توده ایران برای صلح، دموکراسی، آزادی، و عدالت اجتماعی، و همچنین با مشخصه ها و آماج های جنبش کنونی مردم زحمتکش میهن مان، آشنا کردند.

غرفه حزب توده ایران که با پلاکاردها، پوسترهای افشاگر در رابطه با رخدادهای کشور، شعار های اصلی حزب، و تصویر رهبران جنبش کمونیستی ایران تزئین شده بود، محل پذیرایی صدها هموطن ایرانی بود. از بازدید کنندگان با غذا های سنتی ایرانی و از جمله آش رشته و

شله زرد و چای پذیرائی می شد. ده ها عضو و هوادار حزب در کنار پذیرائی از بازدید کنندگان، با ارائه نشریه ها و مطبوعات حزب به زبان های فارسی، فرانسه، و انگلیسی، آنان را در جریان تحلیل های حزب توده ایران درباره عمده ترین تحولات کشور می گذاشتند. میز نشریه های غرفه "نامه مردم" ارائه کننده مطبوعات افشاگر به زبان های فارسی، فرانسوی و انگلیسی در رابطه با سیاست های رژیم و دولت کودتا، معرفی حزب توده ایران و تحلیل های آن در باره رخداد های کشور، بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همه جانبه رژیم، و ضرورت مبارزه متحد به منظور تغییرات پایه ای در کشور بود. به مدت سه روز غرفه "نامه مردم" محل بحث های سازنده و اتحاد طلبانه صد ها علاقه مند به سیاست ها، موضع ها، و فعالیت های حزب توده ایران بود. امسال غرفه "نامه مردم" شاهد صحنه امید بخش سرایش دوباره سرود: "ای شمایان اتحاد خلق را آوا کنید!" بود. فعالان سیاسی و طرفداران جنبش مردمی ساکن در فرانسه و یا برخی گردشگران ایرانی در پاریس، با بحث و تبادل نظر با مسئولان حزبی در رابطه با سمت و سوی مبارزات اعتراضی مردم و ضرورت همبستگی فعال با جنبش مردمی در داخل کشور، در غرفه جو بسیار مطلوبی را به وجود آورده بود.

هیئت های نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران– اکثریت، و سازمان اتحاد فدائیان، نیز از غرفه "نامه مردم" بازدید کردند، و با رفقای مسئول غرفه در رابطه با تحولات کشور گفتگو کردند.

در طول مدت برگزاری فستیوال، هیئت نمایندگی حزب توده ایران با بیش از ۲۰ هیئت نمایندگی حزب های کمونیست و چپ حاضر در فستیوال، از جمله رفیق " پاتریک لوهیاریک"، سردبیر روزنامه "اومانیته"، و رفیق "ژاک فتح"، مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست فرانسه، دیدار و درباره تحولات جاری میهن و ضرورت گسترش همبستگی با جنبش اعتراضی و حق طلبانه مردم ایران، تبادل نظر کرد. امسال هم به همه هیئت های نمایندگی حزب های برادر حاضر در فستیوال، پوشه یی دربردارنده آخرین نشریه های توضیحی حزب توده ایران به زبان های فرانسه و انگلیسی تقدیم شد.

بحران بی سابقه اقتصادهای سرمایه داری، شرایط وخامت آمیز اجتماعی– اقتصادی در فرانسه در سال های اخیر، جنبش های دموکراتیک و آزادی خواهی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، و کوشش کشورهای سرمایه داری برای مهارِ سمت و سو و شعارهای این جنبش ها، از عمده ترین موضوع های گفت وگو در مناظره ها، بحث ها، و سمینارها در طول سه روز فستیوال بود. کارزار موفق حزب کمونیست فرانسه در حمایت از امر مبرم خلق فلسطین به منظور ایجاد کشور مستقل فلسطین و شناخته شدن آن از سوی سازمان ملل متحد، جای برجسته ای در همه عرصه های تبلیغاتی فستیوال امسال داشت. فعالیت غرفه های عظیم کشورهای سوسیالیستی و مترقی و از جمله کوبا، چین، ویتنام، ونزوئلا، و بولیوی، که با غذا های ملی و موسیقی و ارائه اطلاعات متنوع از بازدید کنندگان پذیرایی می کردند، نمایشگر مبارزه تحسین برانگیز خلق های این کشورها در ادامه راه ساختمان جامعه یی برتر و عالی تر بود.

مضمون اصلی امسالِ فستیوال "اومانیته"، "مبارزه برای صلح، مخالفت با نظامی گری و جنگ، و کوشش برای بنای جهانی عادلانه تر" بود. رهبران حزب کمونیست فرانسه و سردبیر اومانیته، در سخنرانی ها و بیانیه های خود در

ادامه در صفحه ۶

ادامه "نامه مردم" در غرفه های جشن های ...

طول فستیوال، بر ضرورت ایجاد و توسعه یک جبهه چپِ متحد به منظور مبارزه در راه: حقوق بشر، صلح، و عدالت اجتماعی، تاکید می ورزیدند.

مراسم افتتاحیه رسمی فستیوال در صبح روز ۲۵ شهریورماه، با سخنرانی "پاتریک لوهیاریک"، سردبیر روزنامه اومانیته و نماینده پارلمان اروپا، در "دهکده جهانی"، در قلب پارک محل برگزاری فستیوال اومانیته، در حضور گروهی ازدولت مردان، روزنامه نگاران، و نمایندگان سازمان های سیاسی مترقی جهان، برگزار شد. رفیق پاتریک پس ازخوش آمد گوئی به حاضران در"دهکده جهانی" که از سراسرجهان آمده بودند، تصویری دقیق و همه جانبه از اوضاع جهان و مبارزات رو به اعتلای خلق ها با سرمایه داری ارائه کرد، که جستارهائی از آن را در زیر می آوریم:"سپاس و تشکر از آنان که برای ساختن این مکان، این تجلی گاه امید و مبارزه خلق ها و ترقی خواهان سراسرجهان، ماه ها کارکرده اند. کار کردند برای آنان که تصمیم گرفته اند تا سرنوشت خویش را خود به دست گیرند، چه آنان که دیگر انقیاد، سلطه گری، فساد و تباهی ، استبداد و خصوصی سازی ها را تحمل نمی کنند ، در زمانی که اقلیتی توانگر با سفته بازی در بازارهای بورس پروار و پروارترمی شوند. آری دراین لحظه، در سراسرجهان، در برابر یک بحران عمومی کامل سرمایه داری مالی جهانی، خلق ها برای خواست عدالت، برابری، دموکراسی، آزادی، و برای برادرانه با هم بودن، برای جهان مشترک و هم بسته، نه جهانی با رقابت های از هم گسیخته، جهانی که برای خشنودیِ بهره مندان بزرگ مالی عالم، ساخته و پرداخته شده است. از سانتیاگو تا آتن، از تونس تا قاهره، از رم تا لیسبون، ازدمشق تا تل آویو، از لندن تا پایتخت های آفریقائی، خواست نیرومندی برای دگرگون سازی، توفانی از عصیان همه جا، کوی ها و برزن ها، مدرسه ها و کارخانه ها و کشت زارها، را فراگرفته است. درچله زمستان از"بهار" عرب سخن گفته شد. ولی امسال "بهار" خیلی طولانی بود. زیرا نبرد برای عدالت و دموکراسی، نبرد برای شرافت انسانی، آزادی، و حاکمیت خلقی، راهی است طولانی و گاه پرسنگلاخ. سخن کوتاه آنکه، انقلاب و دگرگونی نمی تواند خارج از مسیر و عمل خودِ توده ها باشد. دوستان تونسی و مصری و همه خلق های دیگر می توانند مطمئن باشند که ما همواره در کنار آنان خواهیم بود." درجایی دیگر، رفیق به مسئله دردناک مهاجران پرداخت که "از سر استیصال و برای یافتن کار و لقمه یی نان، جان خود را از دست می دهند." و با این کلمات پرسوز، خشم و درد خود را این گونه بیان کرد: "ننگ و نفرت برآن اروپائی که با این زنان، این مردان، و این کودکان مُثله شده، ریشه کن شده، گریزان از مشقت و از فلاکت، به سوی کشورهائی که به تصورشان حقوق شان محترم شمرده خواهد شد روی می آورند و چون به اینجا می رسند در مقا بل شان جز"نیمه معاشی" همراه با زندگی یی مخفیانه از ترس توقیف شدن، بی هیچ مُفری و بی هیچ امیدی، روزگارمی گذرانند. " و در جای دیگر گفت:" امید می تواند همچنین از رام الله و از غزه برخیزد. فلسطینِ مستعمره شده... سرانجام امروز می تواند صدونودمین دولت سازمان مِلل متحد باشد...این عین عدالت است. دولت اسرائیل سالیان دراز موجود است. وزشِ آزادی، دموکراسی، حقوق بین المللی، فقط به بن علی، مبارک، قذافی، و یا بشارالاسد، محدود نمی شود. این امرباید به گردانندگان ما فوق ارتجاعی اسرائیلی هم تحمیل شود. به آنان که آپارتاید برپا داشته اند، خانه ها را در بیت المقدس شرقی خراب کرده اند، و شناسنامه کودکان این شهر را ضبط کرده اند و ضبط می کنند، آنان که غزه را بمباران می کنند و آن را به زندان بیش از یک میلیون فلسطینی مبدل کرده اند، آنان که منابع آب و زمین های مرغوب فلسطینیان را ویران می سازند، آنان که حدود ۹هزار فلسطینی از جمله بسیاری از نمایندگان مجلس و در رأس آنان "مروان برقوتی" را زندانی کردند. آری ازاین جشن، فریاد عدالت خواهانه خود را در سراسر جهان به گوش همگان برسانیم... توفان طغیان سراسر عالم را در می نوردد و تمامی سیستم سرمایه داری را زیر سئوال می برد. این سیستمی است جنایت کارانه که هر پنج ثانیه یک کودک کمتر از پنج سال را به کام مرگ می فرستد. سردبیر "اومانیته" به طور کامل و جامع فجایع و جنایت های سرمایه داری نولیرال را در پیکره سیستمی ضد انسانی به تصویر کشید. سرانجام، درباره سیاست جنگ طلبانه سرمایه داری، صرفِ هزینه های سرسام آور برای تسلیحات سخن گفت، و تاکید کرد: "جنبش صلح حق دارد که در خواست می کند تا ده سال دیگر هزینه های نظامی و تسلیحاتی باید به نصف تقلیل یابد."

غرفهٔ نامهٔ مردم ارگان مرکزی حزبمان در جشن بزرگ "ندای مردم" در اتریش

جشن ندای مردم، جشن نشریهٔ حزب کمونیست اتریش امسال برای۶۵ مین بار در پارک پراتر شهر وین، در روز های ۳ و ۴ سپتامبر برگزار گردید. هر بار ده ها هزار نفر از این جشن که هر ساله در هوای آزاد برگزار می گردد بازدید می کنند. این جشن هر ساله تحت شعار ویژه ای برگزار می گردد. امسال "همبستگی را زندگی کن" شعار کانونی جشن ندای مردم بود.

هواداران حزب در اتریش امسال نیزهمانند هر سال در این جشن بزرگ شرکت نمودند و به برپایی غرفهٔ نامهٔ مردم ارگان مرکزی حزبمان مبادرت ورزیدند. در این جشن، امسال نیز نمایندگانی از جنبش جهانی کمونیستی و احزاب پیشرو جهان شرکت داشتند که از جمله می توان از نمایندگانی از آمریکای لاتین همانند کوبا و کلمبیا، اروپا همانند حزب چپ آلمان و یا احزابی همانند حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست کردستان عراق نام برد. دیگر حزب ایرانی شرکت کننده در این جشن حزب دمکرات کردستان بود.

در این دو روز سد ها (صدها) نفر، از غرفهٔ حزب ما بازدید نمودند ودرخلال بحث ها و گفتگوهای دوستانه با رفقای ما با نظرات حزب پیرامون مسائل ایران و جهان آشنا گردیدند. در روز نخست جشن دو سخنگوی مرکزی حزب کمونیست اتریش رفقا ملینا کراوس و میرکو مسنر با حضور در غرفهٔ حزب با رفقای ما به بحث و گفتگو پیرامون رویدادها و تحولات سیاسی میهنمان پرداختند. در این دو روز سد ها اعلامیه به زبان فارسی و آلمانی پیرامون شرایط حساس کشورمان و در جهت آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و همچنین بمناسبت ۲۳ مین سالگرد فاجعهٔ ملی در میان بازدید کنندگان پخش شد. در این جشن چادرهای حزب با شعارهایی در جهت اتحاد نیروهای سیاسی و بویژه در جهت آزادی زندانیان سیاسی به آلمانی و فارسی تزئین شده بودند. "هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران فرخنده باد" شعار دیگرغرفهٔ حزب بود. میز کتاب حزب همانند همیشه توجه بازدید کنندگان ایرانی و خارجی را به خود جلب می کرد. چرا که عرضه این همه کتاب و نشریه از حزبی که ارتجاع "ریشه کن شده اش" می پندارد براستی که ستودنی و شگفتی آور است.

امسال نیز همانند سالهای گذشته در این دو روز دهها تن ازهم میهنمان با دیدگاه ها و عقاید مختلف و گرایشات گوناگون سیاسی با حضور در چهار چادر حزب به بحث و گفتگوپیرامون تحولات و اوضاع سیاسی درایران و همچنین مسائل جهانی پرداختند. امسال نیز چادر های حزب ما به مکان و فضایی صمیمی جهت بحث و گفتگوی دوستانهٔ ایرانیان بدل گشته بود.

ادامه در صفحه ۷

ادامه "نامه مردم" در غرفه های جشن های ...

غرفه "نامه مردم" در قلبِ فستیوال "آوانته" – پیام رسای هفتادمین سالگرد بنیاد گذاری حزب توده ایران در پرتغال

*** حضور، و خوش آمد تعدادی از ایرانی های ساکن پرتغال در غرفه حزب توده ایران، از نکته های جالب توجه فعالیت های امسال بود.**

*** امسال هر کسی که به دهکده جهانی می آمد، با مجموعه یی از اوراق و نشریه های افشاگر که از سوی حزب توده ایران به زبان های انگلیسی و پرتغالی منتشر شده بودند در دست، و مصمم به نمایش همبستگی فعال با مردم ایران، فستیوال را ترک می کرد.**

***در ملاقات و گفتگو با رفقای نماینده حزب های برادر از فدراسیون روسیه، ونزوئلا، هندوستان، و فلسطین تحولات ایران و شعارهای مبارزاتی جنبش مردمی مورد توجه قرار گرفت.**

به دعوت رهبری حزب کمونیست پرتغال، و با همکاری همه جانبه رفقای پرتغالی، برای چهارمین سال متوالی غرفه "نامه مردم" در قلب پارک محل برگزاری فستیوال "آوانته" در شهر کارگری "سشیال" در حومه لیسبون، پایتخت پرتغال، به صحنه تجلی همبستگی رزم جویانه هزاران تن از زحمتکشان و نیروهای مترقی پرتغالی با مردم میهن مان تبدیل شد. غرفه "نامه مردم" در دهکده جهانی، همچون سال های گذشته، مرکز بحث و گفتگو در رابطه با تحولات میهن ما و همچنین منطقه خاورمیانه بود. ۳۰ غرفه متعلق به حزب های کمونیست، چپ، و جنبش های آزادی بخش از سراسر جهان، از چین و ویتنام گرفته تا صحرای غربی و فلسطین، سی و پنجمین فستیوال "آوانته" را به صحنه همبستگی خلق ها تبدیل کرده بود. هیئت های نمایندگی ۶۸ حزب کمونیست و کارگری جهان در فستیوال حضور داشتند.

غرفه "نامه مردم" در فستیوال "آوانته"، امسال با مضمون اصلی هفتاد سال مبارزه حزب توده ایران برای صلح، آزادی، دموکراسی، و حقوق بشر سازمان داده شده بود. پرچم ویژه هفتادمین سالگرد حزب، همراه با تصویرهای مارکس، لنین و انگلس، رهبران جنبش کمونیستی جهان، و همچنین تصویرهای پنج نسل از جان باختگان جنبش کمونیستی میهن مان، از حیدرعمواوغلی و ارانی گرفته تا روزبه، تیزابی، سیمین مدرس، و حیدر مهرگان، به غرفه جذابیت ویژه ای داده بود. ده ها پوسترتبلیغاتی که هر کدام گویای گوشه یی از زندگی و مبارزه مردم میهن مان و حزب توده ایران بود، واقعیت های زندگی در ایران را در شرایط حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" به روشنی تصویر می کرد.

غرفه امسال حزب برای آگاهی بخشیدن به مردم و نیروهای سیاسی چپ پرتغال، بولتن "توده نیوز، ویژه فستیوال" به زبان انگلیسی را که در بردارنده تحلیل های ارائه شده در "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، در ماه های اخیر، و موضع گیری های رسمی حزب بوده است، در اختیار دیدار کنندگان قرار می داد. امسال هم با تدارک قبلی و با یاری حزب کمونیست پرتغال، هزاران نسخه از یک اعلامیه دو صفحه ای توضیحی به زبان پرتغالی، که در رابطه با تاریخ هفتاد سال مبارزه حزب برای دموکراسی، آزادی و سوسیالیسم تهیه شده بود، بین شرکت کنندگان فستیوال توزیع شد. این اعلامیه همچنین دربردارنده تحلیل حزب در باره تحولات سال های اخیر و به ویژه ماهیت سیاست های دولت کودتا و ضرورت گسترش همبستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران بود. با هماهنگی با "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" (کودیر)، ۵۰۰ نسخه از آخرین شماره نشریه "ایران امروز" (iran today) که عمده مقاله های آن در رابطه با مبارزه برای حقوق و آزادی های دموکراتیک در ایران است، در غرفه ارائه و در اختیار علاقه مندان به

دنبال کردن تحولات در ایران، قرار گرفت. زیبا ترین جنبه فعالیت های غرفه، سازمان دهیِ کمک مداوم و نوبتیِ گروهی از رفقای حزب کمونیست پرتغال، در تمامی طول فستیوال، در اداره غرفه و کمک به پخش اعلامیه ها و ارائه توضیح و تحلیل به دیدار کنندگان بود.

فستیوال در روز جمعه ۱۱شهریورماه (۲سپتامبر) با سخنرانی رفیق "جرنیمو دو سوسا"، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، و سردبیر نشریه "آوانته" افتتاح گردید. فستیوال "آوانته" در پارک عظیمی در حومه لیسبون که متعلق به حزب است، برگزار می شود. حزب کمونیست پرتغال در سال ۱۹۹۰ با تائید رهبر فقید حزب، رفیق آلوارو کونیال، به منظور غلبه بر مشکلات متعددی که هرساله بر سر راه برگزاری فستیوال ایجاد می شد، تصمیم به خرید پارک کنونی و ایجاد ساختار های ضرور گرفت. محوطه برگزاری فستیوال، به همت هزاران عضو و هوادار داوطلب حزب، در طول این سال ها صاحب تأسیسات رفاهی و عملی، از جمله ساختمان های اداری و مدرسه حزبی شده است.

در روز های شنبه و یکشنبه بیش از صد هزار نفر در این فستیوال بزرگ و موفق شرکت داشتند. در مراسم با شکوه پایانی فستیوال "آوانته"، که با حضور هیئت های نمایندگی حزب های کمونیستی و کارگری در کنار اعضای کمیته مرکزی حزب برادر در جایگاه ویژه، و شرکت ده ها هزار عضو و هوادار حزب برگزار شد، رفیق "جرنیمو دو سوسا"، در سخنرانی مفصلی، به تشریح شرایط بین المللی، داخلی، و مبارزه حزب کمونیست پرتغال پرداخت. او به ویژه در رابطه با بحران حاد اقتصادی کنونی که هر سال عمق بیشتر و ابعاد وسیع تری به خود می گیرد، و همچنین در باره تهدیدهایی که نظامی گری امپریالیسم متوجه صلح جهانی ساخته است، نکته هایی را افشا کرد، و عزمِ حزب کمونیست پرتغال به سازمان دهیِ توده ای مبارزه مردم و زحمتکشان کشور را اعلام داشت. در طول مدت فستیوال، هیئت نمایندگی حزب ما با نمایندگان حزب های کمونیست و کارگری کشور های مختلف جهان از جمله: هندوستان، برزیل، ونزوئلا، قبرس، شیلی، سوئیس، ترکیه، فدراسیون روسیه، آلمان، انگلستان، فلسطین، ملاقات و در رابطه با تحولات جاری کشور و منطقه تبادل نظر کرد. رفیق نماینده حزب کمونیست هندوستان، در سخنان خود، به واپسین روزهای حکومت شاه و مبارزات دانشجویان ایرانی در هندوستان برای افشای رژیم دست نشانده امپریالیسم در کشورمان و همکاری نزدیک خود با رفقای جوان و دانشجوی توده ای ساکن هندوستان در آن روزها، اشاره کرد.

نماینده کمیته مرکزی حزب مان همچنین دیداری رسمی با رهبری حزب برادر در حاشیه فستیوال داشت، که در جریان آن تحولات اخیر کشور، شرایط و موقعیت جنبش اعتراضی، تحلیل حزب از ماهیت سیاست های رژیم و دولت کودتا، و ضرورت حفظ و گسترش جنبش همبستگی بین المللی با مردم ایران، مورد بحث و توجه قرار گرفت. رهبری حزب کمونیست پرتغال از حضور هیئت حزب توده ایران در فستیوال و برپائی غرفه "نامه مردم" تشکر کرد، و اهمیت حضور در فستیوال آوانته و ارائه اطلاعات و روشنگری در باره تحولات ایران را مورد تاکید قرار داد.

به مناسبت هفتاد سالگی حزب توده های کار و زحمت

ره آورد مهر

باغ غرور حزب ارانی شکوفه بار
بر اوج فخر، رایت این حزب پایدار

با بخردی نشست به هفتاد سالگی
هر لحظه اش نشانه ی دریای افتخار

شور حضور تابش خورشید گون او
می آفریند از دل هستی بنفشه زار

جاریست همچو دامنه ی زندگی که هست
بالندگی زجمله ی پندارش آشکار

سرمی کشد ز سینه ی جوشان مردمش
جانمایه ی شکوفه و برگ و بر بهار

بر برگ گلنمای حیاتش نوشته اند
او را به کارنامه ی هستی، ستاره بار

با رویش خجسته ی هستی نمون مهر
گرمی دوید بر افق سرد این دیار

و ندر چنین پگاه به شادی نهاده شد
بنیان حزب توده ایران، بهار وار

ایرج
شهریور ۱۳۹۰

ادامه ماهی از سر گنده گردد ...

واپس گرا و ضد ملی در اتاق بازرگانی و مجلس مانند برادران عسگر اولادی، لاریجانی ها و باهنرها، و انبار لویی ها از چهره های منفور در سطح جامعه اند. روابط سیاسی قدرتمند و پیوند دیرینه سرمایه داری تجاری – سنتی با روحانیان مرتجع، و ثروت های نجومی آنان، با خشم مردم روبه رومی شود. واضح است که خامنه ای و تمام جناح های حکومتی، از جمله احمدی نژاد، در مقابل مردم عنصرهایی آبرو باخته اند. درافکارعمومی، این جنگ قدرت و افشاء شدن اختلاس ها وجز این ها، مانند دیگی است که مدام می جوشد و کف می کند و هرروز اشغال بیشتری از آن بیرون ریخته می شود. برخی از تحلیل گران، درجه بالای فساد مادی و پیامدهای اجتماعی – اقتصادی آن را، به روانکاوی جامعه – فرد و مبانی مبهمی مانند ذهنیت و خصلت و رفتار "ما ایرانی ها" نسبت می دهند و منحصرمی کنند. آنان حتی به این نتیجه می رسند که ریشه فساد در درون جامعه است. برخی مانند سعید لیلاز، در چاره جویی به منظور جلوگیری از فساد مالی و اختلاس ها از دستگاه دیکتاتوری ولایی خواستار سمت گیری هر چه بیشتر به سوی "اقتصاد بازار" است، و می گوید: "رقابت واقعی را به صحنه طرح های اجرایی کشور **باز گردانند**[!]" (روزنامه شرق، ۲۸ شهریورماه). باید اشاره کنیم که، در کشورهای پیشرفته غرب، الگوی مبتنی بر "اقتصاد بازار" مورد نظر لیلاز، از نظر اخلاقی و مادی کاملا ورشکسته است. آقای لیلاز مفید است توضیح دهند که، چرا در آمریکا و انگلستان که محور اقتصادی آن ها "بازار آزاد" و "رقابت واقعی" است، دائما اختلاس های عظیمی مانند انران، مداف، بانک بی سس سی آی و جز این ها، روی می دهند؟ در دو دهه گذشته، سرمایه داری جهانی، با تسلط انحصاری سرمایه های مالی غول پیکر خصوصی و رشد سرطانی فعالیت های غیر تولیدی دلالی بانک ها، مستقیما منشأ شدت گرفتن اختلاس های ده ها میلیارد دلاری و نقض مولفه های آزادی و دموکراسی بوده است. قابل توجه است که کشورمان نیز در طی این دو دهه گذشته، به برکت خصوصی سازی و سیاست تعدیل اقتصادی، نیز به وضوح همین فرایند گرایش و تمرکز انحصارگرایانه به سوی سرمایه های مالی غیر تولیدی و تشدید فساد مالی را به نمایش گذاشته است! وجود این اختلاس ها و اشاعه فرهنگ فساد مالی، غارت کلان اموال عمومی و رانت خواری، به طور مستقیم از گرایش به سمت سرمایه های مالی عظیم خصوصی و یا سرمایه های کلان غیر قابل نظارت برآمده است که سرانجام، در امتزاج با هرم قدرت سیاسی، خصلت ضد دموکراتیک و قانون شکنانه به خود می گیرند. این روند عام و قانون مند نظام سرمایه داری است، که از آن گریزی نیست. مسلما در هر جا بنا به درجه رشد زیر بنای اقتصادی و شرایط محلی و مختصات روبنای سیاسی، این فرایند رنگ و بوی خاصی به خود می گیرد. می توان بدرستی گفت که، در کشور ما و در عرصه جهانی، این فرمول "اقتصاد بازار" است که مولد فساد مالی بوده و به نفع ثروتمندان و بر خلاف منافع ملی و زحمتکشان عمل می کند.

وظیفه مهم فراروی نیروهای مبارز جنبش مردمی، بردن تحلیل ها و بحث های مشخصی به درون جامعه است. نمی توان بر اساس نظرات شخصی، گمانه زنی ها در مورد شخصیت های رژیم، تکیه بر مسائل ذهنی مبتنی بر روان شناسی های غیر مستند در مورد افراد، مبارزه سیاسی را سامان داد. همین طور الگوهای اقتصادی – اجتماعی مبتنی بر منافع سرمایه های خصوصی کلان و سوداگری که هم اکنون به برکت قدرت سپاه و خدعه های دینی درگلوی مردم کشورمان فشرده می شود، با مخالفت اکثریت مردم، یعنی قشرهای زحمتکش و خرده بورژوازی روبه رو خواهد گشت. درمقابل، نیروهای مبارز باید تضادهای بین جناح های حکومتی و رابطه آن ها با اختلاس ها و فساد ساختاری را بر اساس اقتصاد سیاسی رژیم ولایی و با زبانی ساده و مرتبط با زندگی زحمتکشان برای توده ها تشریح کنند. این امر مهم، مستلزم کار سیاسی – اجتماعی صبورانه، سازمان یافته، و اتحاد عمل نیروهای سیاسی بر اساس شعارهای مشخص است. مردم کشورمان از مصداق این مثل معروف که "ماهی از سر گنده گردد" به خوبی آگاه اند. انتظار آن ها از نیروهای مبارز، ارائه جایگزینی عملی و متناسب با شرایط موجود است که بتواند جبهه نیرومندی از قشرها و طبقه های اجتماعی را در مقابل دیکتاتوری حاکم و با هدف ایجاد تغییرات بنیادی اجتماعی – اقتصادی بسیج کند.

گرامی داشت هفتادمین سالگشت زایش و جاودانگی رحمان هاتفی
(۱۰ مهر ۱۳۲۰ – ۱۹ تیر ۱۳۶۲)

*جغرافیای من، همه تاریخ است

"به استقبالت، پهلوانان از تندیس ها گریختند" حیدر مهرگان

بر سینه سلولی سرد و یخ زده، آنجا که در زمانه ای شَرنگ گونه تر و کین توزتر از هزارها دشنام و دُشنه قلبِ جهان تپیده بود، مردی از تبارِ توفان و آتش با خونِ خود نوشته بود: "راه همان است که من رفتم." دانشی مردی بود والامنش و تیزهوش که به گفته لنین بزرگ "با مغزی سرد و قلبی گرم" رزمیده بود. در کهکشان کاغذی گوتنبرگ و در گستره پُرگزند روزنامه نگاری بی هیچ گفت و گو از بهترین های ایران و جهان بود. بر دامنه دانش گیتی ساز و رئالیستیکِ مارکسیسم – لنینیسم دستی چنان فراخ و بلندکرانه داشت که با دانشوران این رشته بر سرِ این یا آن آموزه "پیچیده" تئوریک نرد سخن می ریخت.

هنر و شیوانگاری (ادبیات) ایران و جهان را نیک می شناخت و خود در نقد این هردو رشته ژرف نگر وتأثیرگذار بود. شعر می سرود و قصه می نوشت. پژوهنده ای بود سخت کوش و رزمنده ای رزم آشنا که چیره دستی اش در پنهان کاری و سازمان دهی نمونه وار بود. اگر خوش باوری برخی ها به دروغ پردازی ها و شارلاتانیسم مذهبی جمهوری اسلامی نبود حتا سگانِ دست آموزِ **سازمانِ سیا** نیز نمی توانستند ردش را بو بکشند.

هم زمان با پی ریزی و زایش حزب توده ایران (۱۰ مهر ۱۳۲۰) او نیز چشم بر سایه روشنِ هستی گشوده بود. همواره در چنین روزی گفته بود و می گفت: "حزب یک روز پیرتر شد." پدرش افسر ژاندارمری بود و برای انجام ماموریتی تازه به تبریز رفته بود که تهمتن بالابلند ما زاده شده و هفته‌ای دیگر همراه با خانواده خود به تهران بازگشته بود. و سرانجام آن قدر خوش قلب و مهربان و مردم دوست بود که حتا مخالفان راه و روش سیاسی او نیز شیفته اش بودند: "من هرگز هم مشرب... او نبودم" اما "این روزنامه نگار سبزچشم خنده بر لب یکی از چهره‌هایی است که من در زندگی حرفه‌ای خود هرگز او را از یاد نمی برم."[۱]

نام سیاسی اش را از **حیدرخان عمواوغلی** (مهندس تاری وردیوف) از پیشگامان جنبش کارگری و کمونیستی ایران و نیز از مهر و مهرگان، خجسته ماه پی ریزی حزب توده ایران گرفته بود: سخن از **رحمان هاتفی منفرد** (**حیدر مهرگان**) یکی از بزرگ ترین و برجسته ترین قهرمانان جنبش کارگری و کمونیستی ایران و جهان است.

"معراج مردان بالای دار است" حلاج

رژیم اشغالگر ایران حتا از کالبد زخم خورده و هزار تکه رحمان هم می ترسید. آن قدر که خبر انوشگی (شهادت) او را همواره پنهان نگاه می داشت. این در حالی بود که وی تنها دو ماه پس از دستگیری اش در زیر مرگ بارترین شکنجه ها جان سپرده بود: "انقلابی بزرگ،شاعر، نویسنده، پژوهشگر، روزنامه نگار نامدار کشور، رفیق رحمان هاتفی منفرد (حیدر مهرگان) عضو هیأت سیاسی وقت حزب و از رهبران و بنیادگذاران **گروه آذرخش** که سپس به **سازمان نوید** معروف شد در زیر شکنجه های بهیمی رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی جان سپرد..." (نامه مردم، شهریور ۱۳۶۷).

نخستین کسی که حماسه انوشگی (شهادت) رحمان را فریاد برکشیده بود رفیق **فاطمه مدرسی** (سیمین فردین) استوره بی آلایش شکنجه گاه ها و قهرمان پایداری در زندانهای اسلامی بود. رژیم که از لت و پار کردن سیمین نیز راه به جایی نبرده و نتوانسته بود حتا به اندازه یک هجای کوتاه دهانش را بگشاید سرانجام نیرنگی اندیشیده بود. او را در میان انبوهی از پاسداران برای دیدار با پدر بیمارش به خانه برده بودند. شاید پدر چیزی بگوید و او را "به راه آورد!" اما این بار نیز کور خوانده بودند. هنگامی که سیمین را می بردند که به زندان باز گردانند، در همان آستانه خانه و به گونه ای که همه رهگذران بشنوند ناگهان فریاد برآورده بود: "این جنایت کاران رحمان را کشتند! قهرمان ما را تکه تکه کردند! اما او دهان باز نکرد..."[۲] و بدین گونه اما خبر جان گذشت رحمان را به گوش همه رسانده بود. دژخیم ها بر سر سیمین کیسه ای کشیده بودند و او را در زیر رگباری از مشت و لگد یک راست به سلول انفرادی برده بودند.

حیدر مهرگان باور انقلابی اش را به حزب توده ایران از سر راه نیاورده بود که به همین آسانی ها هم آن را واگذارد و به راه خود رود. او که با بدبینی به حزب تراز نوین طبقه کارگر ایران گام در سپهر مه آگین کار سیاسی گذاشته بود بعدها در فرایند دستگیری هایش در سال‌های ۴۵ و ۵۰ خورشیدی در دیدار و گفت و گو با رهبران زندانی حزب توده ایران به مرز آگاهی و شناخت رسید: "قزل قلعه خلوت بود. من با بی ایمانی مطلق به حزب توده ایران وارد بند شدم...

می دانستم **خاوری** در همان بند است. شبی که فردایش باید از قزل قلعه می رفتم تصمیم گرفتم خاوری را ببینم. همه می دانستند که اعدامی است. نزدش رفتم و مثل یک خبرنگار... سوالاتم را کردم و او آرام پاسخ داد. نمی‌دانم این گفت و گو چقدر طول کشید اما می‌دانم که سپیده زده بود و من هنوز همه سئوال هایم را نکرده بودم . او روزهای انتظار اعدام را پشت سر می گذاشت و من آخرین روزهای بازداشت را. وقت جدایی نتوانستم جلوی اشکم را بگیرم. در حال و هوای آن سالها این ایمان بی خدشه به حزب باور نکردنی بود. هنگام جدایی **خاوری** می خواست بداند درباره آنچه شنیده ام چه فکر می کنم. گفتم: آنچه را امشب شنیدم تا حالا در رمان ها خوانده بودم...! سرمست از آن همه ایمان از زندان آزاد شدم."[۳]

دو سالی از این دیدار تاریخی بر نگذشته بود (۱۳۵۲) که به حزب پیوست و **گروه آذرخش** و سپس ***نوید*** را پی ریخت. هم زمان، با ***رادیو پیک ایران*** و دیگر رسانه های حزبی به همکاری آغاز کرد. ***حماسه گلسرخی*** از نخستین جُستارهای وی بود که از این رادیو پخش شد.

هاتفی در روزنامه نگاری نبوغی نمونه وار داشت. این او بود که در سال ۱۳۵۷ در جایگاه سردبیر ***روزنامه‌ی کیهان*** اعتصاب ۶۲ روزه مطبوعات را سازمان دهی کرد و به فرجام رساند. پیش از آن، سالها جانشین *دکتر مهدی سمسار* و سپس *امیر طاهری* سردبیران وقت کیهان بود. در این دومین دوره اما همه کارهای سردبیری را به تنهایی انجام می داد و "امیر طاهری از وی همواره به عنوان کمک اول خود یاد می کرد."[۴]

رفیق هاتفی اگرچه در سالهای پایانی رژیم شاه "معاون *امیر طاهری*... بود اما همه تغییر و تحولات کیهان با نظر او انجام می گرفت و *دکتر مصباح زاده* مدیر مؤسس *روزنامه کیهان* و امیر طاهری... تسلیم نظرات او بودند. رحمان علاوه بر سردبیری روزنامه کیهان، تنها نشریه مخفی طرفداران حزب توده ایران را با کمک چند تن از بچه‌های روزنامه کیهان و تشکیلات کوچک ولی منسجم گروه نوید منتشر می کرد."[۵]

در آن سالها بسیاری از روزنامه نگاران و نیز کارگران و کارمندان بخش های فنی و اداری روزنامه ها که می رفتند تا کار روزانه خود را آغاز کنند در میان کاغذها و روزنامه های روی میز کارشان یا در کشوی آن با کتاب‌های مارکسیستی در اندازه های بسیار کوچک و نیز با هفته نامه های نوید و اعلامیه های حزبی رو به رو می‌شدند و به تازه ترین رخدادهای پشت پرده سیاست که خود نیز از آن بی خبر مانده بودند دست می یافتند. آنها با شگفتی از هم می پرسیدند که چه کسانی و چگونه این جزوه ها را می آورند و در دسترس شان می گذارند؟ در آن میانه اما دستگاه دوزخی ساواک کشتیار خود شده بود که سرنخی، چیزی از گروه نوید پیدا کند و نتوانسته بود. این در واقع نبوغ کم آسای رفیق هاتفی در ارگانیزاتوریسم و سازمان دهی بود که ***سازمان نوید*** را بس پنهان کارانه پی ریخته بود و نگذاشته بود لو برود. هم از این گونه بود که سازمان غرورآفرین نوید همچون پدیده ای بی همانند در جنبش کارگری – کمونیستی ایران و جهان به یادگار ماند و استوره

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه جغرافیای من همه تاریخ است ...

رحمان را جاودانه تر کرد. به یاد داشته باشیم که وی سازمان نوید را در زمانه ای پی ریخت که "تروریسم سازمان یافته دولتی به اوج و جنونی رسیده بود که حتا در ابعاد جهانی هم کم مانند بود."[۶]

وی نخستین شماره فصل نامه و سپس ***هفته نامه نوید*** را در هزار نسخه درآورد (دی ۱۳۵۴) و تیراژ آن را که در سراسر کشور پخش می شد تا آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ۲۴۰ هزار شماره رساند. چنین بود که ***سازمان نوید*** تنها در سال ۱۳۵۷ بیش از ۳۰۰ هزار نسخه روزنامه مردم، ماهنامه دنیا و کتاب های مارکسیستی را که از خارج می آمدند در سراسر کشور پخش کرد. هم چنین، گاهنامه تئوریک ***به سوی حزب*** را که با شهادت ***هوشنگ تیزابی*** بر زمین مانده بود تا بازگشت رهبری حزب از خارج کشور چاپ و پخش کرد. در هوشمندی سیاسی رفیق مهرگان همین بس که او پس از پیشامد خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ برای نخست بار از کار بس (اعتصاب) سراسری برای درهم شکستن شالوده حکومت نظامی *ازهاری* و رژیم سترون *شاه* سخن گفته بود: "تنها یک راه باقی است؛ مؤثرترین راه: با اعتصاب عمومی سراسری، کودتای نظامی شاه را علیه مردم درهم بشکنیم."[۷] و این چشم اسفندیار رژیم شاه بود. و سرانجام هنگام که پیکار مسلحانه در دستور روز تاریخ درآمده بود، باز این ***گروه نوید*** بود که ***پارتیزان های توده ای*** خود را به میدان نبرد با رژیم شاه کشاند: "آنچه آموخته ایم اینک باید به کار ببریم. یک روز هر کلمه ای که می آموختیم، پربارتر از سدها (صدها) گلوله بود و امروز هر گلوله، پرمعنی تر از هزارها کلمه است."[۸]

پنج سال پس از پی ریزی و پیکار سازمان بی همتای نوید و سه سال و سه ماه پس از درآیند هفته نامه نوید، واپسین شماره آن در ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ با چاپ ۷۳- مین شماره آن به پایان رسید و با نخستین شماره علنی **مردم** پیوند خورد. *رفیق هاتفی* در این واپسین شماره نوشت: "امید که هرگز در میهن ما آن چنان شرایطی تکرار نشود که ضرورت انتشار نوید و نویدهای زیرزمینی را ایجاب کند."[۹]

دریغ که رفیق نستوه و نابغه ما آرزویی از این گونه نژاده و انسانی را بسی زودتر آنچه می‌اندیشید با خود به ژرفای گور برد.

کارل مارکس به درستی گفته بود: "خداوند تکامل باده خود را در کاسه سرکشتگان می نوشد. و آنان که به پندار خود تخم اژدها کاشته اند، جز کرم خاکی نمی درونند."

اینک *رحمان هاتفی* در اوج ترسناک ترین سانسورهای دولتی ایران قهرمان میلیون‌ها ایرانی است و هم اینان اند که راه و روش وی را پی خواهند گرفت و به فرجام خواهند رساند.

ارثیه مینویی مهرگان

در سایه روشن انقلاب بهمن ۵۷ اما پهلوان بلند بالا و خوش سیمای ما دیگر هیچ نمی آرامد: خواندن، پژوهیدن، نوشتن، سازماندهی کردن، راهبری شبکه‌های حزبی و... این همه تنها گوشه هایی از تک و پوی تهمتنانه رحمان اند. هم در این سال ها به آفرینه ای می اندیشد که پاسخی شگرف و ژرف بینانه به شوق و تشنگی نسل نو برای آشنایی با گذشته حزب باشد. باید بازهم از خواب شبانه زد و کوهی از اسناد حزبی را "از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۵۷" کاوید و پیمود. باید این دریای خروشان و ناپیدا کرانه را چنان در کوزه ای کوچک ریخت که هیچ چیز آن تاریخ تلخ و شیرین چهل ساله در سایه نماند و سلوک وادی به وادی تشنه کامان گم دره های خاراگین شناخت را به فرجام آورد. کار اما همچون شیوه تغزلی حافظ آسان نمون است و دشواریاب.

هایکو ژاپنی به درستی گفته بود: "یک سخن، همه جهان را تعیین می‌کند."

و اینک نوبت رحمان بود که از آزمونی چنین خَستودنی و خطیر و شگفت برآید. در سال ۱۳۶۰ هنگام که نخستین چاپ **اسناد و دیدگاه ها** درآمد همه دیدند که پهلوان جوان ما بار دیگر تهمتنی کرده و در برابر ارتش بهتان زنان و مشاطه گران حزب ستیز چه جانانه ایستاده است. او که با فروتنی عارفانه اش کتاب را "جز جامی از چشمه و نَمی از باران" نمی دانست نوشت که در کتاب هزار صفحه ای او " گنجاندن تمام وجوه چهل سال رزم و آفرینش [حزب] که هیچ عرصه ای از حیات مادی و معنوی جامعه از آن برکنار نبوده انتظاری غیرواقعی است..." و من؛

من نه آنم که دو سَد نکته رنگین گویم
همچو فرهاد یکی گویم و شیرین گویم

وی بر هامش **اسناد و دیدگاه ها** نوشت: "در سراسر تاریخ حزب توده ایران کمتر رویکرد و دگردیسه نوآورانه و انقلابی و حتا به ندرت اندیشه و بارقه ای روشنگر و راهگشا وجود دارد که جامعه را به پیش برده باشد و نخستین بار توسط حزب توده ایران عرضه نشده یا... فراورده تلاش و پیکار پیگیر آن نباشد. این دعوی سترگی است اما گزافه نیست..."

کوتاه سخن، تاریخ جنبش توده ای ایران به گویش رحمان هاتفی این گونه هاشور خورده بود: "اینک تاریخ حزب توده ایران است که سخن می گوید. نه با زبان مورخان و تذکره نویسان که با زبان بی شبهه عمل و اندیشه خود. به گفته **گزنفون:** "بگذار تاریخ خود لب بگشاید. اشباح گذشته بیش تر از راویان امروز که دستخوش مهر و کین اند از رازهای گذشته آگاه اند. در این نمای پهلوانی، روح واقعی تاریخ میهن ما زبانه می کشد. بی آشنایی با زیستنامه حزب توده ایران شناخت تاریخ معاصر ایران به سامان نمی رسد..."[۱۰]

"انقلاب ناتمام تاریخ، اقتصادی است در پویه شدن"
کارل مارکس

ولتر بورژوا می توانست بنشیند و برای انقلاب آینده ساز فرانسه آموزه آفرینی کند. اما نگاه او به تاریخ، نگرشی پیشرو و دیالکتیکی نبود: "تاریخ، گردآورند (مجموعه ای) از جنایت ها، نادانی ها، و ناکامی های آدمی است!"

رحمان هاتفی اما از زیجی دیگر به رصد تاریخ برمی خاست: "از سکوی امروز بهتر می توان دیروز را دید. بغرنجی های گذشته، اکنون معمایی حل شده است."[۱۱] وی در جایگاه تاریخ نگار می گفت: مساله این است که چگونه می توان تاریخ را به وجود آورد. مساله دانستن درس های تاریخ است. همیشه هستند و... خواهند بود آنهایی که از تجربه تاریخ هیچ نیاموخته اند."[۱۲] و "به تاریخ می توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی گوید..."[۱۳]

حق با **مرزبان نامه** است که "هر اساسی که نه بر راستی نهی، استوار نماند."

او در کتاب – **انقلاب ناتمام –** به تاریخ نگاران و تذکره نویسانی که زنجیره درهم تنیده رخدادهای تاریخی را از هم می درند و خود را در اندازه یک "وقایع نویس ژاژخا" فرو می افکنند آموخت که به گفته کارل مارکس "تاریخ اقتصاد در دست عمل است" و برای رمزگشایی از داده های آن باید بستری را کاوید و پژوهید و دید که به پیشامدهای تاریخی جان می بخشند و شخصیت می دهند. نه! ما تاریخ را به شیوه **ولتر**، برگ‌های بریده از هم و گردآورِندِ "نادانی های" انسان نمی دانیم. از **سیسرون** بیاموزیم که گفت:

"نخستین آیین تاریخ نگاری آن است که نادرست نگوییم. "رحمان هاتفی کتاب ارجمند انقلاب ناتمام – **زمینه‌های سیاسی و اقتصادی انقلاب مشروطه ایران** – خود را در دهه **۵۰** خورشیدی نوشت و با نام **ر. ه. اخگر** به چاپ سپرد. اما دریغ که با یورش ساواک به چاپخانه، همه نسخه های آن به جز یکی خمیر شدند. وی بار دیگر بر آن شده بود که آفرینه ارزشمند خود را به گونه پاورقی در **ماهنامه آفتاب** که شماری از هواداران حزب توده ایران آن را در نخستین سالهای انقلاب در می آوردند به چاپ رساند که این بار نیز **آفتاب** به بند کشیده شد و این ماند و ماند تا حزب توده ایران آن را در مهرماه ۱۳۸۰ به چاپ رساند و بدین گونه به سه دهه انتظار پایان داد. رفیق هاتفی امیدوار بود که در پاره های واپسین کتاب، از پیش زمینه های انقلاب مشروطه فراتر بگذرد و به خود انقلاب بپردازد که دستگاه دوزخی ولایت فقیه به او امان نداد و این سدای رسای تاریخ را برای همیشه خاموش کرد. بدین گونه میهن ما انسانی تراز نو و دانشوری سترگ را برای همیشه از دست داد.

منتقدی از تبار بلینسکی

رحمان هاتفی بر گستره نقد دیالکتیکی آفرینه های شیوانگارانه و هنری، بی هیچ گفت و گو از بهترین ها بود. به ویژه که در شناخت و شناسندِ و برکشیدن نبوغ های نهفته هنری، ژرف نگری و تیزهوشی شگفت گونه داشت. از میان نمونه‌هایی که نخست بار آتش قلم وی بر سویه های تاریک کاراکتر هنری شان پرتو افکند یکی هم **اردشیر محصص** بود که نقد نقادانه و **بلینسکی** وار رحمان **"در بهار یک بلوغ حاصل خیز"** ناگهان همچون آذرخشی در سیاه شبان دهه های چهل و پنجاه خورشیدی تیراژه کشید و چشم ها را مات و مبهوت محصص کرد: "از **تالار قندریز** تا **گالری سیحون** راه درازی نیست... اما اردشیر این راه را [در اندرون خویش] چند ساله پیمود نخستین جوانه های آن روز اینک به جنگلی انبوه بدل شده است. کودک با استعدادی که در تالار قندریز شوق زده و سرمست به سیاه مشق هایش خیره شده بود، حالا به سختی می تواند ابعاد وحشتناک دنیایی را که خود ایجاد کننده آن است باز شناسد. در زیر پوست آن کودک عاصی، غولی رشد کرده است که می‌خواهد جهان را در میان مشت هایش بفشارد و با ناخن هایش تا اعماق زمین و زمان را بکاود. کودک ناراحت **تالار قندریز** در برابر خود دنیای دیوانه ای می دید که گرفتار یک سوء تفاهم مدحش است. این دنیا به فضای خواب های پریشان و کابوسی بیشتر شباهت داشت. منطق آن

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه جغرافیای من همه تاریخ است ...

بی منطقی بود. یک جور درهم ریختگی و ازهم پاشیدگی. دنیایی که بوی پوسیدگی و زوال می‌داد در حال فروریختن و غرق شدن بود. اما به ظاهر همه چیز آن در جای خود قرار دشت. در این دنیای نامطمئن و دروغگو، آدم‌ها سایه‌های لرزان و بی مفهومی بودند که خودشان را تکذیب می کردند...“ [۱۴]

ای کاش می شد همه آن نقد نقادانه را که از قلمی بس عاشق و شورَنده و شوریده برتافته بود پشت سر هم می آوردیم. و چه می شود کرد وقتی تهاراه و شیوایند این جستار نه تکثیر و بازآوری واژه به واژه آن نقد مردمی که برتافتن تهمتنی و دلیری رحمان است که در سکوت سُربی و چندش آور سال های سرد و مه آگین آن سال ها بر کاغذ کاهی روزنامه می آورد. در آن سال ها، کاریکاتورهای اجتماعی و طرح های به شدت سیاسی **اردشیر محصص** در برخی رسانه ها همچون **روزنامه اطلاعات** در می آمد و کمتر کسی ”توانایی جسور او را در دریدن نقاب هیولاها و آدم ها“ می شناخت و در می یافت که ”او در رسوا کردن چقدر بی رحم است.“ و این تنها رحمان بود که سکوت سُربی سالها را درهم شکست و گفت: ای ”سیاستمداران پرابهت بادکنکی که به یک نوک سوزن“ بادتان خالی می شود. ای ”خرده بورژواهای فربه و شکم پاره که در شکم و زیر شکم تان خلاصه“ می شوید. ای ”دیوانه های“ گریخته از «دارالمجانین»! اینک این هنرمند مردمی ما اردشیر است که ”چون یک باستان شناس، اعماق جان و روان مردم دور و برش را می کاود و از زیر آوار گوشت و استخوان و خون، شخصیت حقیقی و پنهان آنها را بیرون می‌کشد و زیر ذره بین طنز هوشیار و زیرک خود می برد.“ [۱۵]

اما رحمان عاشق بود و پروای زندان و زنجیر و تازیانه را نداشت. ای کاش آنها که به شخصیت شیوا و استوره ای او نزدیک تر بوده اند همتی بدرقه راه کنند و نوشته های رحمان را از لابه لای رسانه ها بیرون آورند و زمینه را بر چاپ گرد آورند (مجموعه) نوشته های مطبوعاتی وی هموار سازند. به ویژه که پهلوان دانشور ما گویا کار رسانه ای خود را با نوشتن داستانهای جانانه در روزنامه قدیمی **صبح امروز** (سالهای آغازین دهه چهل به این سو) آغازیده بود که جا دارد این داستانها نیز گردآوری و در دفتری جداگانه شیرازه شوند.

دیدار با آرش

سال ۱۳۶۰ سال **دیدار با آرش** رحمان بود: نقدی راه گشایانه در شناخت دیالکتیکی **آرش کمان گیر سیاوش کسرایی**. او این بار نیز با واژگان آتشین خود به هماورد منتقدانی برخاسته بود که در ”رنگین نامه های“ با ویژگی ”آدامس های آمریکایی“ پرسه می زدند و ”آرش را به گناه پیوند با“ گذشته ”و به مثابه بازمانده ای از یک نژاد منقرض“ تحقیر می کردند. رحمان آمده بود که به گفته خود ”منتقدان“ رنگین نامه نویس و غوغاسالارانی را که ”مس را به جای طلا سکه می زدند“، فستیوال نشین ها، جشن هنرباف ها و وازدگانی از این گونه را به جای خود بنشاند. آخر مگر نه اینکه ”شاعران بزرگ، در عین حال برترین مورخان زمانه اند و آنجا که تاریخ نویسان متوقف می‌شوند، شاعران آغاز می کنند؟“ [۱۶]

رحمان اما در چهره سراینده **آرش کمان گیر** شاعر تاریخ را می دید »اما نه فقط تاریخی که روی داده است که شاعر آن تاریخی که باید روی دهد... این است نیرویی که در تلاقی واقعیت با آرزو، در تلاقی تاریخ، آن گونه که هست و آن گونه که باید باشد آزاد می شود.

وی در شعر **کسرایی** دو گونه انسان – زمینی و سرزمینی – می دید و می دانست که این ”عین همان جوهری است که شعر کسرایی را...“ بر می کشد و بر فرازه های استوره ای اپیک و حماسه می نشاند. رفیق هاتفی اما در چهره **آرش شیوا تیر** نیرویی را یافته بود ”که طبیعت را به تاریخ مبدل کرده است“: او ”برده ای است که نسل در نسل فروخته شده. دهقانی است که برده داغ خورده و حراج شده را در زیر پوست خود پناه داده و کارگری است که هر صبح، چون یک برده نوین در کارخانه فروخته شده او از تبار رنج و کار است و از او برمی آید که رنج مردم را با قلب رنج دیده خود عوض کند.“

او در سیمای آرش کمان ابرو پرومته هم روزگار ما **خسرو روزبه** را می دید: ”مگر نه اینکه کسرایی منظومه آرش را با الهام از خاطره پهلوانی روزبه سروده؟ و مگر نه اینکه آرش باستانی در شبح آرش معاصر به ملاقات فرزندان خود که در کوره شکنجه گاهها ذوب می شوند تا از آنها برای میدان های فردا پیکره بسازند می رود و دست در دستشان می‌گذارد؟“ [۱۷] و سرانجام آرش جوان ما دفتر نقدی از این گونه را چنین فرو می بندد: ”اینک ما، قشونی از آرش...“ قشونی که در پساپشت فرمانده استوره ای و بلند بالای خود خسرو روزبه با رزم افزار شعر و شناخت و شعور به ستیز با امپراتوری سرمایه می رود .

اکتبر و ضد اکتبر

نگاه ژرف و نگران استوره روزگار رنج آزمای ما با کاوندگی **بلینسکی** وار خود که روندها و پدیده های پیرامونش را از کنه و از سرشت آنها می پویید و می پژوهید، و نیز تیزنگری نقادانه وی، همچون تازیانه های تازنده بر پیکر آموزه ها و آورندهای کژآیند زمانه فرود می آمد و با هر ضربه خود گوهر مینوی دانش و شناخت را از دل خاراسنگ های دروغ و بهتان و کژ اندیشی بیرون می کشید و می آخت وتراش می داد.

رحمان در پلمیک ها و در گفتارهای حقیقت جویانه و نیز در شاهکارهایی که از قلم شوریده وش و شیوای او برمی تافت به راستی که نمونه وار و اندک یاب بود و کمتر کسی به گرد او می رسید. اگر در سالهای دهه ۵۰ خورشیدی توانسته بود کژروی های رزم چریکی جدا از توده را به **خسرو گلسرخی** نشان دهد، در سالهای این سوی انقلاب نیز با نقدهای جانانه اش در **روزنامه مردم** توانست چشم انبوهی از فرزندان خلق را که دل در گرو رزم چریکی بسته و راه خود را از توده مردم جدا کرده بودند به چشم حقیقت باز کند. در نقدهایی که بر آموزه های خام دستانه مائوایستی و تروتسکیستی می‌نوشت، پژوهندگان حقیقت با برهانی چنان پولادین و اندیشه شکن رو به رو می‌شدند که ذهن و زبانشان خواه ناخواه از فاکت گزینی های خرده بورژوایی و دهان پُرکن تهی می شد. در نقدهای تئوریک حیدر مهرگان که در امرداد ۱۳۶۰ در جزوه **اکتبر و ضد اکتبر** بازآوری شدند تاریخ نه از آن گونه که راست باوران چپ نما می پسندند که از دیدرسی واقعی گِروانه هاشور خورده بود.

رحمان در جستار **درک دوران از دیدگاه لنینیسم و مائوایسم** به درستی نوشت: ”شوریده نشان دادن دوران کنونی و تحریف ویژگی‌های آن، دستاورد چپ روها و چپ نماهای ما نیست. در این عرصه مائوایسم پیش کسوت و بنیادگذار است. در کنار همه آثار و ثمرات فاجعه آمیز مائوایسم و شبه تئوری هایش، یکی نیز درهم و برهم کردن مفهوم دوران و تنزل آن به سطح بازیچه ای برای اغراض سیاسی خاص بود. مائوایست ها در آستانه دومین انشعاب بزرگ در جنبش کارگری و کمونیستی جهان تغییر دلخواه و متناقضی را به جای محتوی عینی دوران گذاشتند تا برای ارتداد خود محملی بتراشند...“ آنها می گفتند: ”دوران ما عبارت است از دوران امپریالیسم، دوران انقلاب پرولتری، دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم.“ [۱۸] رحمان می افزاید: ”این تعریف که... مختصات دو عصر را در یک عصر ادغام کرده است، در واقع هجومی بود علیه جنبش کارگری و کمونیستی. طغیانی بود علیه مصوبه های این جنبش که در بیانیه احزاب برادر در کنفرانس های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مسکو اشعار می داشت: ”محتوای اصلی دوران ما که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز شده عبارت است از گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم.“ [۱۹]

”اکتبر و ضد اکتبر“ در جستارهای چهارگانه خود مات شدگان و ناباوران وادی چپ را با ”کلید درک دوران“ به آزمونگاه آموزه ها و تئوری های رنگ و وارنگ تاریخی می برد و از میان انبوه واژه ها و اندیشه های تلنبار شده در آن، گوهرِ تراش خورده سوسیالیسم علمی را بیرون می کشید و در دستشان می گذاشت.

”از تک نگاری تا اپیکوگرافی
آن جا که زندگی به معدن معنی می رسد
مرگ، کلام آخر نیست“
مهرگان

دامنه تک نگاری های حماسی و مردمی **حیدر مهرگان** با همه پراکندگی تاریخی شان بلند کرانه است و گستره مند. این اوست که نخست بار در حماسه **سرودی که از فراز شکنجه گاه گذشت** از کرانه های کوتاه زیست نامه نویسی فراتر گذشت و به سرایش غزل واره ای حماسی برخاست و از این نیز فراتر، در اندرون جان و اندیشه انوشای زمانه **هوشنگ تیزابی** به سیر و سلوکی روانکاوانه پرداخت و رمز و رازهای شخصیت شگرف وی را پژواک کرد. آن همه تک نگاری شعرگونه که همچون گنجی گزاف و بازیافته از کُنه و از سرشت شخصیت تیزابی برتافته بود اما خود سرگذشت سالها بعد کسی بود که از مرزهای افسانه و استوره نیز فرسنگ ها فراتر گذشت: ”دژخیمان، شش ساعت متوالی هوشنگ را لگدمال کردند. روی زخم های پایش دوباره تازیانه کشیدند. کفل ها و مردی اش را با سیگار سوزاندند و وقتی از هوش رفت دوباره به هوشش آوردند و کار را از سر گرفتند...“

هاتفی در این تک گویی درونی و پیش نگرانه زیرین گویی سرگذشت خود را پیش خوانی کرده است. سرگذشتی که در واپسین

ادامه در صفحه ۱۲

ادامه جغرافیای من همه تاریخ است ...

دمان هستی تیزابی از زبان خموش و پرغوغای هوشنگ برمی جوشد: "نامت را به من بگو. می خواهم این طلسم را در مشت داشته باشم."، "من هزارها بار مرده ام و باز متولد شده ام... کدام نامم را می خواهی؟ در پشت هریک از نامهای من، سرهای از بدن جدا شده مناره شده اند، تن های در آتش سوخته و پیکرهای به دار آویخته صف کشیده اند. من **بردیای** دروغینم که از من بزرگ ترین دروغ تاریخ را ساختند من به چهره اشرافیت آدم خوار تف کردم. من **مزدکم** که فریاد زدم همه گرسنه ها باید سیر شوند. من **صاحب الزنجم** که پانسد (پانصد) هزار برده را... شوراندم... من **بابکم** که بر قله های سپند ایستادم... من **ستارم** که از لوله تفنگ های **امیرخیز** جرقه زدم و در آبهای ارس منتشر شدم. من **حیدرم** که با کوله باری از نان آمدم... من **روزبه** ام که از هر زخمم سدایی (صدایی) می آید. من نامهای بی شمار دارم که هر یک از آنها سنگ گور شریف ترین مردم است. آیا هنوز مرا نمی‌شناسی؟"

و به راستی کیست و در سودای کدام جادو است که این همه نام را در ملودی تنها یک نام – **رحمان هاتفی** – نشناسد؟ کی است؟

حماسه گلسرخی
ای سرو سر فراز!
این رسم تو است که ایستاده بمیری
خسرو گلسرخی

زمزمه کردن، فریاد کشیدن، توفان برانگیختن و از بودن و سرودن درفشی از آذرخش و تیراژه برافراشتن چندان هم که می گویند دشوار نیست، اما هنگام که دماوند تلنبار شده بغض تاریخی تو دارد سینه ات را می کوبد و می فشارد و می خواهی بر آن همه احساس انسانی چیره شوی و بُرهانمند و بهنجار بگویی، به راستی که دشوار است، و دشوارتر از این همه هنگامی است که می روی تا تراژدی و حماسه را درهم آمیزی و می کوشی از میان اروندرود اشک ها و مویه هایت مغز نغز حماسه و اپیک را بازگشایی و بر دایره مینای داوری در اندازی.

حیدر مهرگان نه تنها با زیست نامه رفیق سالهای نوجوانی به بعد خود – **هوشنگ تیزابی** – چنین کرد که حماسه زندگی و رزم **خسرو گلسرخی** – دوست و همکار خود را در **روزنامه کیهان** – نیز با هق هق گریه سرود. و مگر نه این که کمونیست برجسته جهان سینما – **چارلز چاپلین** – با چشمی خون گرفته می خواند و با چشمی دیگر می گریاند. سخن انجیل است که "در خرد بسیار، اندوه بسیار است" هاتفی در **حماسه گلسرخی** به سراغ شاعری می رود که جهانی بزرگتر را می پژوهید اما از همه این جهان هیچ چیز برای خود نمی خواست. یکی در هوای رزم چریکی جدا از توده (گلسرخی) و دیگری رهرو هماورد توده ای به پیشاهنگی حزب طبقه کارگر (مهرگان) و مگر نه این که **لنین** بزرگ در رمزگشایی از شور انقلابی چریک های روسیه (اس ارها و دیگران) گفته بود: "قربانی کردن یک انقلابی برای آنکه پست سرشتی برود و پست نهادی دیگر جای او را بگیرد خردمندانه نیست" گفت و شنود انقلابی این هر دو اما از دو دامنه گونه گون سیاسی آغاز می شود و سرانجام در کانون بهنجار و مردمی رزم توده ای به هم می رسد. چنین است نبوغ نمونه وار رحمان هاتفی در سخن وری و پلمیک سیاسی.

وی در پاسخ به پرسش **گلسرخی** از افشاگری سیاسی همچون مبرم ترین وظیفه برای یک مبارز خلق سخن گفته بود. و آن قدر گفته بود و شنیده بود که سرانجام **گلسرخی** از ناباوری به یقین رسیده وگفته بود: "یک مشت جوجه انقلابی روشن فکر می خواهند پا جای **چه گوارا** بگذارند و به خیال خودشان با آتش بازی و سدای ترقه مردم را بیدار کنند." و[۲۰] "اما اینها خودشان بیشتر احتیاج دارند که یکی بیدارشان کند."

خسرو یکبار هم مشت های گره کرده اش را به ورشکستگان[۲۱] سیاسی زندان نشان داده و گفته بود: "از کتیرایی و روزبه بیاموزیم."

هاتفی جزوه **حماسه گلسرخی** را با نام **سیامک** و اندکی پس از شهادت گلسرخی و **کرامت دانشیان** (۲۸ بهمن ۱۳۵۲) نوشت و در همان سالها به شیوه چاپ زیراکسی و زیرزمینی به میان مردم برد.

واپسین غروب تهمتن

زمزمه های زندان، هم راه با هُرم دوزخی تیرماه، آورندی تازه را سلول به سلول با خود می برد: **لاجوردی** جلاد از شکنجه گران رحمان به سختی برآشفته و گفته بود: "او باید هرچه زودتر دهان باز کند. ما در اینجا سنگ ها را هم به صدا در آورده ایم چه رسد به مشتی پوست و استخوان!"

آن روز از سایه روشن بامداد تا پاسی از غروب، شکنجه گران یکی از پس دیگری به جان تهمتن نستوه ما افتاده و کوشیده بودند دهان او را نیز همچون برخی وازده ها و درهم شکسته ها بگشایند. سترگ مرد جوان ما اما همچون **فرخی لب دوخته** هیچ نگفته بود.

دشنام پشت دشنام بود که از گند چاله دهان شکنجه گران فرو ریخته بود و هوای گرم و تنش آلود زیر هشت را به گند کشیده بود. شکنجه گرها با کابل و مشت و لگد پهلوها و سینه رحمان را کوبیده بودند. چهره اش چنان خونین و درهم شکسته بود که حتا آینه هم او را نمی شناخت.

رحمان کف به دهان آورده بود و خون قی کرده بود. با لگدی دیگر، اندام درهم تنیده اش تابی خورده بود و چرخیده بود و رو به دیوار افتاده بود. از میان چشم های نیمه بازش دیوار پیش رو را دیده بود که ازهم شکافته بود.

نخست خسرو روزبه را دیده بود که با چهره جذاب و مردانه اش پا در سلول گذاشته بود و سپس هوشنگ تیزابی را که تازه ترین شماره **به سوی حزب** را به نزد رفیق قدیمی خود دراز کرده بود!.و اشک شوق چشم‌های استوره زمانه را پوشانده بود.

لگدی دیگر بر پهلوی تهمتن فرود آمده بود. اما او که دیگر دردی را برنمی تافت. او که دیگر چیزی را حس نمی کرد، لبخندی به زیبایی همه گلهای بهاری بر لبش شکفته بود. بازجو رو به شکنجه گر فریاد کشیده بود: چرا گذاشتی بمیرد! چرا او را کشتی؟ او که حتا یک کلمه هم حرف نزده بود. حتا یک نفر را هم لو نداده بود! چرا گذاشتی بمیرد احمق! و رحمان هم چنان لبخند زده بود. لبخند تکاوری که از هماورد با دشمنی نیرنگ پیشه و سرسخت سربلند بر آمده بود. او با مرگ و جاودانگی خود پشت دشمن را به خاک کشیده بود.

شکنجه گران و بازجوها عربده کشیده و هم دیگر را به دشنام بسته بودند. از میانشان، یکی با چهره ای کریه تر از هزار کفتار با تفاله های درهم تنیده ریشی سیاه و انبوه، با کابل بر پیکر آرمیده استوره کوبیده بود. اما نیم سدایی هم از او در نیامده بود. کفتار کابل به دست گویی همان سلطانی بود که به گفته **گیوم آپولینر** شاعر "نفخی متعفن رها کرده بود... با جراحت ها و غده های چرکین، با پوزه خوک و ..."[۲۲]

بازجوها همچون جانوران درنده عربده کشیده بودند و کفتار کابل به دست باز هم زوزه کشیده بود و پیکر بی جان تهمتن را به تازیانه بسته بود. آنها به مرده ها هم تازیانه می زدند و از کالبد بی جانشان می ترسیدند. آنها به مرده ها هم شلیک می کردند.

در واپسین غروب تهمتن، در زیر هشت، جز چند شکنجه گر و بازجو و سطل های پر از باندهای خونین هیچ کس نمانده بود. واپسین غروب انسان تراز نو روزگار ما **رفیق رحمان هاتفی** به پایان رسیده بود.

پی نوشت

از شعر انسان تراز نو، حیدر مهرگان *
[۱] یاد آر ز شمع کشته...، دکتر صدرالدین الهی، سایت صدای مردم
[۲] شهیدان توده‌ای، جلد دو، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷
[۳] نامه مردم
[۴] یادآر زِ شمع کشته...،همانجا
[۵] یادماندَه ها، نصرت نوح، ص ۴۵۰
[۶] اسناد و دیدگاه ها، ص ۹۰۱
[۷] نوید، ش ۴۴، ۱۸ شهریور ۱۳۵۷
[۸] اسناد و دیدگاه ها، ص ۹۱۰
[۹ و ۱۰] همانجا
[۱۱] همانجا، ص ۱۸۹
[۱۲] همانجا، ص ۲۱
[۱۳] همان جا، ص ۲۶
[۱۴ و ۱۵] روزنامه کیهان، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۰
[۱۶] دیدار با آرش، ص ۷
[۱۷] همانجا، ص ۳۶
[۱۸و ۱۹] اکتبر و ضد اکتبر، ص ۳۹
[۲۰ و ۲۱] حماسه گلسرخی
[۲۲] از چکامه پاسخ قزاق به سلطان کنستان تینیه

ماهی از سَر گَنده گردد نی ز دُم

اگر زباغِ رعیت مَلِک خورد سیبی
بر آورند غلامانِ او درخت از بیخ

شاید در تاریخ مجلس های فرمایشی معمول در کشورما، به ندرت مشاهده شود که این نهاد به اصطلاح قانون گذار و ناظر، مانند مجلس کنونی به دست خود مصوبه هایی را مستقیما برخلاف وظایف بدیهی اش در قبال مردم تصویب کند، و از خود عملا سلب مسئولیت کند. مجلس شورای اسلامیِ بی خاصیت و دست نشانده، به همراه رئیس بر گمارده آن: لاریجانی، از یک سال پیش قوانینی را به تصویب رسانده است که اساسا هر گونه تحقیق و تفحص از نهاد های زیر نظر رهبری را از طرف "خانه ملت" و دیگر نهاد ها منع می کند. البته نهاد های زیر نظر رهبری بی شمارند، و آن طوری که علی خامنه ای در یکی از آخرین سخنرانی هایش به دفاع و تشریح نقش ولایت مطلقه فقیه یادآوری کرد، قدرت مطلق این "نماینده خدا" تمام عرصه ها را شامل می شود. نگاهی گذرا به درجه نفوذ ولی وفقیه و بیت او بر نهاد ها و نقطه های تمرکز سرمایه های کلان، نشان می دهد که نحوه اداره آن ها سنگ بنا وسر نخ بسیاری از مورد های فساد اقتصادی و وغارت گری های بی حساب و کتاب در کشورمان است.

نهادهای اقتصادی یی مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد، ستاد فرمان هشت ماده ای امام، آستان قدس رضوی وشرکت های مالی متعدد آن، از جمله مرکزهای سرمایه هایی اند که بیت ولی فقیه و بوروکراسی فاسد در آن ها لانه کرده اند. روند شکل گیری تسلط اقتصادی – سیاسی این بورکراسی فاسد در "بنیاد مستعضفان"، نمونه بارزی ست که مشابه آن را در دیگر ارگان های زیر نظارت ولی فقیه می توان دید. هسته اصلی ومرکزی این بنیاد، که به دستور آیت الله خمینی تشکیل شد، همان "بنیاد پهلوی" سابق است که بعداً ملحقات دیگری به آن اضافه شد. یکی از اولین مدیران این بنیاد، محسن رفیق دوست بود که در اوایل انقلاب مظنون به قتل چند تن از رهبران ترکمن بود. برادر او، مرتضی رفیق دوست، اولین اختلاس بزرگ صد و بیست میلیارد تومانی را در بانک صادرات کلید زد، و پس از گذراندن مدتی در زندان، مورد عفو خامنه ای قرار گرفت. رئیس کنونی "بنیاد مستعضفان"، محمد فروزنده، از فرماندهان سابق سپاه پاسداران است. او مدتی پیش اعلام کرده بود که، بنیاد قصد دارد بعضی از مراکز اقتصادی ضرر دهنده آن را به فروش رساند ودر زمینه های پر سود فعالیت کند. "بنیاد مستعضفان" هیچ گاه بیلان و آماری از فعالیت های خود منتشر نمی کند، و مشخص نیست که سرمایه در گردش آن چقدر است، درحالی که گردانندگان این بنیاد آن را یکی از غول های اقتصادی خاور میانه اعلام کرده اند. فهرست موسسه های متعلق به "بنیاد مستعضفان"، که در سال گذشته از سوی رسانه ها منتشر شد، به قرار زیر است: آزاد راه تهران شمال – نفت بهران – گوشت ایران – سینا کاشی – چینی ایران– عمران ومسکن خوزستان – ایران تایر – چوب شمال – ایران چوب – بهنوش ایران – دوغ آبعلی – زمزم ایران مشتمل بر سیزده کار خانه بزرگ نوشابه سازی – قند شازند – قند قزوین – قند شیروان واصفهان – انرژی گستر پارس –در حوزه اکتشفات نفت وحفاری: پتروخزر– تات نفت – صنایع برق وانرژی صبا – در زمینه مسکن و برج سازی: آتی ساز تهران – مهستان – ونک پارک – شهر قدس – سامان ایران، و جز این ها – حمل ونقل: کشتیرانی بنیاد مستعضفان – راه آهن شرقی – بنیاد بارانداز– ۹۰ سالن سینما وتعدادی بیمارستان – موسسه تجارت ایران – بانک وبیمه سینا – هتل آزادی تهران – هتل استقلال تهران – هتل های کوثر تهران واصفهان و صفائیه یزد – هتل عالی قاپو. این فهرست نمودار سرمایه کلان زیر دست علی خامنه ای و بیت او است که بدون پاسخ گویی در چند و چون آن به مردم، اداره می شوند. البته فعالیت های "بنیاد پهلوی" نیز دررژیم گذشته یکی از پایه های نفوذ اقتصادی دربار بود. "بنیاد پهلوی" نیز بدون کوچک ترین الزامی به پاسخ گویی، وسیله یی بود درراستای رشوه دادن، فاسد سازی و خریدن افراد وشخصیت های اجتماعی وپرورش مداحان و مواجب بگیران. با در نظر داشتن زمینه تاریخی و نحوه تمرکز سرمایه های کلان در کشورمان، وجود اختلاس ها و دزدی های با رقم های نجومی در بانک های رژیم ولایی تعجب آور نیست. هر دو رژیم استبدادی ایران منشأ ترویج فساد مادی ساختاری، و مشوق فعالیت های انگلی بدون ارزش افزایی، و جایگزینی روابط با ضوابط، بوده اند. این فرایند ضد اجتماعی در هردو رژیم از بالا به پایین بود وهست و به نوبه خود در سطح اقتصاد خُرد و روابط اجتماعی، تاثیر بسیار منفی یی داشت و دارد. حس عدم اعتماد به هر کس و هر چیزی، ایجاد ذهنیت قانون گریزی و ثروت اندوزی در کوتاه مدت و به هر طریق و وسیله، از جمله پیامدهای فساد ساختاری برآمده از درون این دو رژیم بوده است. این روند فاسد سازی شئون مادی جامعه در چارچوب رژیم ولایی با تمرکز دائمی سرمایه های کلان انگلی، به موازات سوءِ استفاده بی شرمانه روبنای سیاسی از باورهای مذهبی توده ها، تا کنون در ابعاد گوناگون شدت پیدا کرده است.

خامنه ای و بورژوازی بوروکراتیک بغایت فاسد بیت رهبری و دولت کودتایی احمدی نژاد، در رقابت با یگدیگر، خود را پاک دست ترین شخصیت و دولت تاریخ ایران جا می زنند. درحالی که از پچ پچ توی صف نانوایی تا صحبت های درگوشی دراتوبوس و تاکسی، همه جا در بین قشرهای اجتماعی گونه گون، این گونه ترهات و خود ستایی ها تنها مایه تمسخر و نفرت اکثریت مردم است. البته این تمسخر نفرت آلود، خنده تلخ وگزنده ای است که سرانجام به خشمی بنیان کن تبدیل خواهد شد، از نوع خشم کارگر و کارمندی که ماه ها حقوق خود را دریافت نمی کند، خشم میلیون ها جوان بیکار و انبوه تحصیل کرده هایی که هیچ گونه روشنایی در افق آینده خود نمی بینند، خشم زنان ومردان جوانی که برای دریافت یک میلیون تومان وام ازدواج ازاین بانک به آن بانک آواره وسراسیمه مراجعه می کنند وباید دو کارمند دولتی را بیابند و به عنوان ضامن خود معرفی کنند. مردم به خوبی تشخیص داده اند که چگونه اختلاس اعتباریِ ۳۰۰۰ میلیارد تومانی با پشتیبانی بالاترین مقامات دولتی انجام شده است. مردم می بینند که در چارچوب برنامه خصوصی سازی و تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی با پشتیبانی "رهبر" چگونه قهرمانان "کار آفرینی" یی مانند امیر منصورآریا و شرکت های زیر نظارت سپاه، به آسانی با کسب وام از بانک های دولتی می توانند کارخانه ها و اموال عمومی متعلق به مردم را به سهولت و با بهایی ارزان بخرند. مردم تبلیغات کر کننده رژیم در باره گزارش تحسین آمیز خرداد ماه "صندوق بین المللی پول" در پشتیبانی از برنامه اقتصادیِ ریاضتیِ دولت کودتا و حمایت بی دریغ این "صندوق" از خصوصی سازی ها را به یاد دارند. این همان گزارشی است که آگاهانه و به منظور تطهیر فساد سرمایه های مالی در کشورمان متذکر می شود: *"ایران با داشتن بخش بانکداری نسبتاً قوی و بازارهای مالی درحال رشد، بزرگترین بخش* ***مالی اسلامی*** *جهان را در اختیار دارد."*

یکی از دلیل های نزاع جناح های حکومتی، وجود جَرگه سالارانی (اولیگارشی یی) است که به برکت دولت احمدی نژاد وبه یُمن درآمد های عظیم نفت، سریعاً به طیف ممتاز و پر قدرت سرمایه داران اداری (بوروکراتیک) تبدیل شده اند، و دیگر جناح های حکومتی را به مبارزه می طلبند. آن ها در کنار قدرت و تسلط اقتصادی انحصاری خود، حالا با حزب سازی وایجاد جریان های سیاسی در پی توسعه و تثبیت قدرت سیاسی خودند. این روند معمول تمرکز و تثبیت سرمایه های خصوصی غول پیکر است، که در کشور ما نیز به موازات دست اندازی به اموال عمومی از راه خصوصی سازی (با دست آویز کار آفرینی، و انواع و اقسام شارلاتانیسم اقتصادی) به یک جنگ قدرت تمام عیار در روبنای سیاسی کشور دامن می زنند. رشوه دادن و رشوه گرفتن، فساد اقتصادی، اختلاس ها و افشاء شدن های نوبتی آن ها، از ابزار رایج در رقابت و جنگ قدرت بین طبقات و قشر های فوقانی نظام سرمایه داری است. خدعه گری های مذهبی – خرافی، و دعوت به پاک دامنی و بحث های ذهنی در باره معنویات، رنگ و لعاب محلی مرسوم این مبارزه اقتصادی – سیاسی در رژیم ولایی است.

اکثریت مردم کشور ما بر پایه اسناد و تجربه زندگی به خوبی می دانند که کنسرسیوم ها و موسسه های اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران پشت دامن ولی فقیه و به نام حفاظت از اسلام با کمک دولت کودتا کشورمان را غارت می کنند. این ها نهاد هایی اند که در پشت آن ها سرکوب عریان، آدم کشی، آدم دزدی، تجاوز به عنف و شکنجه به عنوان خط دفاع از قدرت سیاسی – اقتصادی عمل می کند. همین طورمردم به نقش مخرب کلان سرمایه داری تجاری و عملکرد انگلی آن در به تباهی کشاندن تولید ملی به خوبی واقفند. نمایندگان این بورژوازی

ادامه در صفحه ۸

همبستگی ۷۰ حزب و سازمان مترقی در هفتاد سالگی حزب

همبستگی بین‌المللی با مبارزه مردم ایران در راه صلح، پیشرفت، و دموکراسی

ما حزب‌های کمونیست، کارگری و ترقی‌خواه چپ امضا کننده زیر، نگرانی خود را نسبت به رخدادهای ایران، و بحران سیاسی و اقتصادی یی که کشور را در بر گرفته است و به مردم ایران گزند جدّی وارد می‌آورد، اعلام می‌کنیم:

ما نسبت به حذف یارانه‌ها در مقیاس گسترده از کالاهای اساسی، سوخت و حامل‌های انرژی در نوامبر ۲۰۰۹، که افزایش قیمت‌ها و بالا رفتن سرسام‌آور نرخ تورم را سبب شده است، ابراز نگرانی می‌کنیم. خصوصی‌سازی گسترده و همه‌جانبه شرکت‌ها و بنگاه‌های بخش دولتی و در پیش گرفتن سیاست درهای باز از سوی دولت در زمینه واردات، موجب ویرانی و ازهم پاشیدگی اقتصاد کشور شده است. طبق آمار رسمی، میزان بیکاری ۵/۱۴ درصد است، و بیشتر از ۲۰ درصد مردم کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

ما به شدت نگران این امر هستیم که رژیم ایران برای مقابله با نیروهای مخالف، همچنان به دستگیری، حبس و شکنجه کردن مخالفان سیاسی‌اش ادامه می‌دهد. فعالیت همه نیروهای سیاسی چپ، ترقی‌خواه و مستقل، از جمله حزب توده ایران، ممنوع و غیرقانونی اعلام و هرگونه فعالیت آن ها به شدت محدود شده است. سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی را منحل می‌کنند و رهبران آن ها را تحت پیگرد قرار می‌دهند و بازداشت می‌کنند.

واکنش رژیم در برابر هرگونه انتقاد از سیاست‌های نسنجیده و نابخردانه آن، چیزی نبوده است جز تحمیل یک فضای ترس و وحشت در کشور. رژیم برای ایجاد ترس، متوسل به اعدام شده است. در شش ماهه اول سال ۲۰۱۱، بیشتر از ۵۰۰ تن اعدام شده‌اند. بسیاری از این اعدام ها به شیوه قرون وسطایی در ملأ عام اجرا شده است.

ما اقدام‌های سرکوب گرانه نسبت به جنبش مردمی در ایران را محکوم می‌کنیم. ما همبستگی قاطع خود را با فعالان سندیکایی، زحمتکشان، زنان، جوانان و همه نیروهای ترقی‌خواه و دموکراتیک ایران که در راه حقوق دموکراتیک و بشر، عدالت اجتماعی و اقتصادی، صلح و دموکراسی مبارزه می‌کنند، اعلام می‌کنیم.

ما خواهان آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم. ما هرگونه شکنجه بدنی و روانی زندانیان سیاسی را محکوم می‌کنیم.

در عین حال، ما هرگونه دخالت دولت‌های امپریالیستی و متحدان آن ها را در ایران، که تلاش دارند نقشه‌های خود برای ایجاد یک "خاورمیانه بزرگ" را به پیش ببرند، محکوم می‌کنیم.

به اعتقاد ما، تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت و سمت‌گیری آینده کشور، و دستیابی به صلح، دموکراسی و پیشرفت، فقط حق خود مردم ایران است.

---

۱. حزب توده ایران
۲. حزب کمونیست یونان
۳. حزب مترقی زحمتکشان قبرس (آکل)
۴. حزب کمونیست بریتانیا
۵. حزب کارگران بلژیک
۶. حزب کمونیست در دانمارک
۷. حزب کمونیست فنلاند
۸. حزب کمونیست آلمان
۹. حزب کمونیست اتریش
۱۰. حزب کمونیست‌های ایتالیا
۱۱. حزب سوسیالیست لتونی
۱۲. جبهه مردمی سوسیالیست لیتوانی
۱۳. حزب کمونیست لوکزامبورگ
۱۴. حزب کمونیست مالت
۱۵. حزب کمونیست جدید هلند
۱۶. حزب کمونیست نروژ
۱۷. حزب کمونیست پرتغال
۱۸. حزب کمونیست فدراسیون روسیه
۱۹. حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک)
۲۰. حزب کمونیست کارگری مجارستان
۲۱. حزب کمونیست کارگری بوسنی هرز گوین
۲۲. حزب کمونیست اسپانیا
۲۳. حزب کار سوئیس
۲۴. حزب کمونیست ترکیه
۲۵. حزب کمونیست جدید یوگسلاوی
۲۶. حزب کمونیست برزیل
۲۷. حزب کمونیست شیلی
۲۸. حزب کمونیست کلمبیا
۲۹. حزب کمونیست آمریکا
۳۰. حزب کمونیست مکزیک
۳۱. حزب کمونیست ونزوئلا
۳۲. حزب کمونیست پرو
۳۳. حزب کمونیست هندوستان
۳۴. حزب کمونیست پاکستان
۳۵. حزب کمونیست لبنان
۳۶. حزب کمونیست اردن
۳۷. حزب مردم فلسطین
۳۸. جبهه مردمی آزادی فلسطین
۳۹. حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۴۰. حزب کمونیست سودان
۴۱. حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
۴۲. حزب دموکراسی و سوسیالیسم مراکش
۴۳. جبهه پولیساریو (صحرای باختری)
۴۴. حزب آفریقایی استقلال دماغه سبز (کِیپ وِرد)
۴۵. حزب کمونیست استرالیا
۴۶. اتحاد میهنی گالیسیا
۴۷. حزب کمونیست سوئد
۴۸. حزب کمونیست کانادا
۴۹. حزب کمونیست فرانسه
۵۰. حزب استقلال و کار سنگال
۵۱. حرکت التجدید تونس
۵۲. حزب کارگران کمونیست تونس
۵۳. حزب نوسازی (رفونداسیون) کمونیست ایتالیا
۵۴. حزب کمونیست (جزیره) رئونیون
۵۵. حزب کمونیست (جزایر) مارتینیک
۵۶. حزب کمونیست بلژیک (والانس)
۵۷. جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین
۵۸. تریبون‌ترقی‌خواه تونس
۵۹. جمعیت تریبون دموکراتیک ترقی‌خواه بحرین
۶۰. حزب کارگران سوسیالیست کرواسی
۶۱. حزب کمونیست مصر
۶۲. حزب کمونیست خلق اسپانیا
۶۳. حزب کمونیست بنگلادش
۶۴. حزب کارگران بنگلادش
۶۵. حزب کمونیست عراق
۶۶. حزب کمونیست اسرائیل
۶۷. حزب کمونیست ها کاتالونیا
۶۸. سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
۶۹. سازمان زنان عرب (اردن)
۷۰. حزب کمونیست هند (مارکسیست)

ادامه پیام های تبریک احزاب کارگری...

****

پیام تبریک حزب کمونیست سودان

رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران،

کمیته مرکزی، و اعضای حزب کمونیست سودان، بدین وسیله گرم‌ترین درودهای رفیقانه و صمیمانه‌ترین تبریک‌های خود را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب شما، به رفقا و اعضا و دوستان عزیز حزب توده ایران تقدیم می‌کنند. ما در حزب کمونیست سودان از سهمی که حزب شما در مبارزه مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی داشته است و دارد، به‌خوبی آگاهیم. حزب توده ایران طی هفتاد سال موجودیت خود در خط مقدم پیکار مردم ایران، سرمشق و نمونه یک سازمان پیکارجو بوده است. حزب شما سهم ارزش مند، بسزا، و تعیین کننده‌ای در موفقیت و دستاوردهای مردم ایران و خاورمیانه داشته است. حاصل مبارزه شجاعانه و بی‌باکانه حزب شما در دوران حکومت مصدق، طلیعه ملی کردن منابع طبیعی در منطقه بود. این گام مهم، راه را برای ادامه مبارزه دیگر ملت‌های منطقه در راه دست یافتن به حقوق‌شان گشود، که از بازتاب‌های آن، ملی کردن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر، و ملی کردن نفت در شماری از کشورهای خاورمیانه بود. نقش حزب شما در مبارزه با رژیم شاهنشاهی و سرنگون کردن آن نیز نقشی عمده و حیاتی بود.

ما همچنین برای انترناسیونالیسم حزب توده ایران و سهمی که این حزب در پیکار خلق‌های جهان در راه دموکراسی، آزادی ملی و اجتماعی، و صلح داشته و دارد، ارزش زیادی قائلیم. امروزه حزب توده ایران یکی از گردان‌های فعال جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است. حزب شما با تکیه بر اصول ضدامپریالیستی و همبستگی بین‌المللی، سهم خود را در پیروزی و دستاوردهای مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم، و ارتجاع خاورمیانه ادا کرده است. همکاری متقابل، همبستگی برادرانه، و پیوندهای پیکارجویانه میان دو حزب ما، مایه سربلندی و افتخار ماست. نه تنها مبارزه ما با رژیم‌های ارتجاعیِ دین سالار (اسلام سیاسی)، و نه تنها تعهد و اعتقاد مشترک دو حزب ما به یک الگوی جایگزین دموکراتیک، بلکه وفاداری و اعتقاد راسخ ما به اصول مارکسیسم و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ما- به‌رغم دشواری‌ها و عقب‌نشینی‌ها- در تداوم مبارزه در راه دست یافتن به آرمان‌ها و خواست‌های مردم مان است که ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند. همکاری‌های ما صرفاً به شرکت در نشست‌های بین‌المللی و کارزارهای همبستگی بین‌المللی محدود نیست؛ بسیار بیشتر از آن است. آنچه اهمیت دارد، نحوه و کیفیت همکاری ما، تبادل تجربه مبارزاتی ما، درس‌گیری ما از یکدیگر، و همیاری ما در کمک به شکل دادن آینده مردم مان است. این روابط ما مبتنی بر تجربه سالیان دراز مبارزه و همکاری در سازمان‌های دموکراتیک بین‌المللی است. ما به نقشی که دو حزب ما در تحکیم و تقویت و ترویج آرمان‌های انترناسیونالیسم از طریق تلاش‌های مشترک داشته‌اند افتخار می‌کنیم، که از آن جمله است فعالیت ما در سازمان‌هایی مثل "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان"، "فدراسیون جهانی سندیکاها"، "فدراسیون جهانی جوانان دموکرات"، "فدراسیون جهانی دموکراتیک زنان"، و "شورای جهانی صلح."

رفقای گرامی!

بار دیگر، تبریک‌های برادرانه و پیکارجویانه ما را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران بپذیرید. زنده باید انترناسیونالیسم.

آینده از آن ماست. پیش به سوی دموکراسی و سوسیالیسم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان

****

پیام تبریک حزب کمونیست آمریکا به حزب توده ایران

رفقای گرامی حزب توده ایران،

با کمال مسرت گرم‌ترین درودهای رفیقانه مان را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب شما تقدیم می‌کنیم. از سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) که حزب شما پایه‌گذاری شد، تا کنون شما با سرکوبی روبه رو و دست‌به‌گریبان بوده‌اید که موجب از دست دادن جان هزاران تن از بهترین رهبران و فعالان حزبی شما شده است. در دوران پهلوی‌ها، با وجود آنکه حزب شما در معرض سرکوب وحشیانه ساواک قرار داشت، توانست سازمانی مخفی تشکیل دهد که به شما امکان داد بتوانید نقشی کلیدی در سازمان‌دهی طبقه کارگر ایران و بسیج آن در برابر ارتجاع داخلی و مداخله‌گران امپریالیستی بازی کنید. کار شما در راه بسیج کارگران صنعت نفت برضد امپریالیسم بریتانیا و متحدان ایرانی آن، و نیز پشتیبانی شما از حکومت دموکراتیک زودگذر اوایل دهه ۱۹۵۰ (۱۳۳۰)، حائز اهمیتی حیاتی بود. و بار دیگر، در پی کودتای "سیا" ساخته سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) و استقرار مجدد سلطنت مطلقه، حزب شما با سرکوبی فجیع روبه رو شد، اما به لطف کار عالی شما در میان کارگران، دهقانان، روشنفکران و جوانان، حزب شما توانست به حیات و کار خود ادامه دهد؛ به این ترتیب بود که شما توانستید در سرنگونی سلطنت در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) نقشی حیاتی داشته باشید. پیامد گردش به راست شدید جمهوری اسلامی در رژیم مذهبی خمینی، سرکوب شدیدتری بود که حزب شما متحمل آن شد، و در این میان هزاران تن از اعضای ارزش مند و اکثریت رهبری حزب شما قربانی یک کشتار دسته‌جمعی شدند. اگر هر حزب دیگری به جای شما بود، بر اثر شدت سرکوبی که شما متحمل شدید، کاملاً متلاشی می‌شد و از میان می‌رفت، اما حزب توده به سازمان‌دهی در شرایط مخفیانه ادامه داد، به طوری که توانست در سازمان دادن کارگران ایران به عنوان بخشی از تظاهرات اعتراضی بر ضد رژیم ارتجاعی مذهبی ایران نقش عمده‌ای بازی کند.

حزب کمونیست آمریکا، همبستگی خود را با تلاش‌های شما در راه بازگرداندن دموکراسی به ایران و مخالفت با هرگونه و همه‌گونه مداخله امپریالیستی در امور داخلی کشور شما، اعلام می‌کند.

بار دیگر، هفتادمین سالگرد تأسیس حزب‌تان را صمیمانه به شما تبریک می‌گوییم.

شعبه بین‌المللی حزب کمونیست آمریکا

****

پیام حزب کمونیست بنگلادش

به کمیته مرکزی حزب توده ایران،

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، مناسبت تاریخی هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را به شما تبریک می‌گوییم. همین‌جا، بار دیگر بر دوستی درازمدت مان با حزب شما، و نیروهای ترقی‌خواه و مردمی کشورتان، تأکید می‌کنیم و برای همه شما موفقیت کامل در مبارزه عادلانه تان با رژیم مذهبی و غیردموکراتیک ایران آرزومندیم. از همین مناسبت تاریخی استفاده می‌کنیم و بار دیگر سرکوب و آزار و اذیت کمونیست‌ها و نیروهای ترقی‌خواه را در کشور شما به شدت محکوم می‌کنیم.

به اعتقاد ما، حزب توده ایران با رهبری خردمندانه شما (کمیته مرکزی)، امروزه وظیفه تاریخی یی برای رهنمون شدن ملت و کشور بزرگ تان به سوی پیروزی و استقرار یک دموکراسی غیرمذهبی (سکولار) و سوسیالیسم را بر عهده دارد و انجام می‌دهد. ما اعتقاد راسخ داریم که حزب توده ایران به میراث پرافتخار فداکاری‌هایش وفادار است و به مبارزه درخشان خود و مقاومت در برابر همه فجایع و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ادامه خواهد داد. ما امروزه در مبارزه یی مشترک با جهانی‌سازی امپریالیستی شرکت داریم، که به دست تجاوزکارترین و خونخوارترین دشمن بشر، یعنی امپریالیسم آمریکا، هدایت می‌شود. ما صادقانه امید داریم و بر این باوریم که دوستی میان دو حزب ما در آینده هرچه بیشتر تقویت خواهد شد. ما برای مردم ایران در مبارزه عادلانه شان همراه با رهنمودهای حزب توده ایران، کمال موفقیت را آرزو داریم. ما به رهبری حزب، اعضا و هواداران حزب، برای حفظ و اعتلای مبتکرانه و موفقیت‌آمیز ایدئولوژی و آرمان مارکسیسم و لنینیسم تبریک می‌گوییم.

زنده باد حزب توده ایران و پیوندهای برادرانه‌اش با حزب ما!

زنده باد دوستی میان مردم بنگلادش و مردم ایران!

با درودهای انقلابی،

منظورالاحسان خان، صدر

مجاهدالاسلام سلیم، دبیرکل

داکا – بنگلادش اول مهرماه ۱۳۹۰ (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱)

****

پیام های تبریک احزاب کارگری و کمونیستی جهان

به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران ده ها پیام تبریک از سوی اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همچنین احزاب کارگری و کمونیستی جهان به دبیرخانه کمیته مرکزی رسیده است که "نامه مردم" آنها را بتدریج به چاپ خواهد رساند.

پیام تبریک حزب ترقی‌خواه زحمتکشان قبرس (آکل)

کمیته مرکزی آکل، گرم‌ترین درودهای رفیقانه‌اش را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، تقدیم حزب شما می‌کند. بنیادگذاری حزب توده ایران در پی رشدِ طبقه کارگر ایران و با تأثیر برانگیزاننده انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر ایران برضد امپریالیسم و بهره کشی سرمایه‌داری بوده است.

حزب توده ایران در تاریخ هفتاد ساله‌اش نه تنها پیوند تنگاتنگی با زندگی طبقه کارگر و مردم ایران داشته، بلکه تأثیر تعیین کننده‌ای نیز در امر پیکار در راه دموکراسی، آزادی‌های سیاسی، و پیشرفت اجتماعی داشته است. حزب شما دوران‌های دشواری را در تاریخ فعالیت خود پشت سر گذاشته است، که پیگرد و بازداشت و کشتار بسیاری از کمونیست‌های ایران در هر دو رژیم ایران در این هفتاد سال، نمونه یی از آن دشواری‌هاست. به علت تحمیل وضعیت "غیرقانونی" که ده‌ها سال از سوی دیکتاتوری‌های ددمنش بر شما تحمیل شده است، فعالیت حزب شما حتی امروز نیز در بیرون از مرزهای کشور صورت می‌گیرد. شماری از کمونیست‌ها و ایرانیان ترقی‌خواه به دلیل باورهای سیاسی‌شان زندانی، شکنجه و اعدام شده‌اند.

به مناسبت سالگرد بنیادگذاری حزب شما، ما بار دیگر همبستگی خود را با مبارزات شما در راه برقراری دموکراسی، عدالت اجتماعی، ترقی و بهروزی در کشورتان و در جهان اعلام می‌کنیم. روابط دوجانبه نزدیک، و درکِ متقابل میان دو حزب ما، که در طی سالیان شکل گرفته است، مایه خوشوقتی و خرسندی ماست. حزب ما همواره آماده و مشتاق همکاری‌های برادرانه نزدیک‌تر با حزب شماست و خود را متعهد به آن می‌داند.

کمیته مرکزی آکل
۱ مهرماه ۱۳۹۰ (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱) ـ نیکوزیا

****

پیام تبریک حزب کمونیست بریتانیا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی،

حزب کمونیست بریتانیا هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران در ۲ اکتبر ۱۹۴۱ (۱۰ مهر ۱۳۲۰) را به شما تبریک می‌گوید. از همان روزهایی که ایران یک نیمه‌مستعمره امپراتوری بریتانیا، و امپریالیسم بریتانیا دشمن مشترک بود، کمونیست‌های بریتانیا همواره اهمیت ویژه‌ای برای همبستگی با کمونیست‌های ایران قائل بودند. زمانی که مردم ایران برای پایان دادن به تسلط اقتصادی خارجی بر منابع طبیعی‌شان در دوران نخست‌وزیری محمد مصدق اقدام کردند، کمونیست‌های بریتانیا موفقیت مردم ایران را جشن گرفتند. و زمانی که کودتای سیا-بریتانیا در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) دموکراسی ایران را درهم کوبید و حکومت استبدادی را دوباره برقرار کرد، کمونیست‌های بریتانیا آن را محکوم کردند. کمونیست‌های بریتانیا همواره حامی مبارزات دلیرانه حزب توده ایران بر ضد آن حکومت خودکامه بودند، و برای نقش کلیدی آن حزب در بسیج مقاومتی که سرانجام به سرنگونی آن حکومت منجر شد، ارزش و احترام قائل بودند. از آن زمان تا کنون، و به‌رغم یورش‌های مداوم رژیم مذهبی ایران به سازمان‌های حزبی و از دست دادن هزاران تن از اعضای خود، حزب توده ایران همچنان از مبارزه در راه دست یافتن به همه آرمان‌های ترقی‌خواهانه آن انقلاب دست نکشیده است و به آن ادامه می‌دهد.

حزب کمونیست بریتانیا از شرایط پیچیده مبارزه یی که در ایران جریان دارد، و از نقشی که حزب شما در این مبارزه و به‌ویژه پس از انتخابات بحث‌برانگیز خرداد ۸۸ دارد، به‌خوبی آگاه است. ما همواره همبستگی خود را با میلیون‌ها تن از جوانان، زنان و مردان، کارگران و روشنفکرانی که در راه صلح، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، اعلام کرده‌ایم. ما همواره نسبت به اعمال شکنجه، دستگیری و قتل مخالفان رژیم اعتراض و آن را محکوم کرده‌ایم. کمونیست‌های بریتانیا خواستار پایان دادن به اعدام‌ها در ایران شده‌اند.

رفقای گرامی،

به این مناسبت، حزب کمونیست بریتانیا بار دیگر با شما و مبارزه‌تان تجدید همبستگی می‌کند. حزب ما، هم‌رأی با حزب توده ایران، بر مخالفت با هرگونه مداخله خارجی و امپریالیستی در ایران، و بر خواست یک خاورمیانه فارغ از تسلط و کنترل امپریالیستی تأکید دارد، و در پیکار دشوارِ حزب شما در راه دموکراسی، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم در ایران، خود را همراه شما می‌داند.

با گرم‌ترین درودهای رفیقانه

رابرت گریفیتز، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا

ادامه در صفحه ۱۵

کمک مالی رسیده

پاینده باد هفتاد سال تلاش رزمندگان حزب طبقه کارگر ایران — راستی از کانادا — ۱۰۰۰ دلار

26 September 2011

حساب بانکی ما:
نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000 0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰۴۹۳۰ ۳۲۴۱۶۲۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 878
Central Organ of the Tudeh Party of Iran